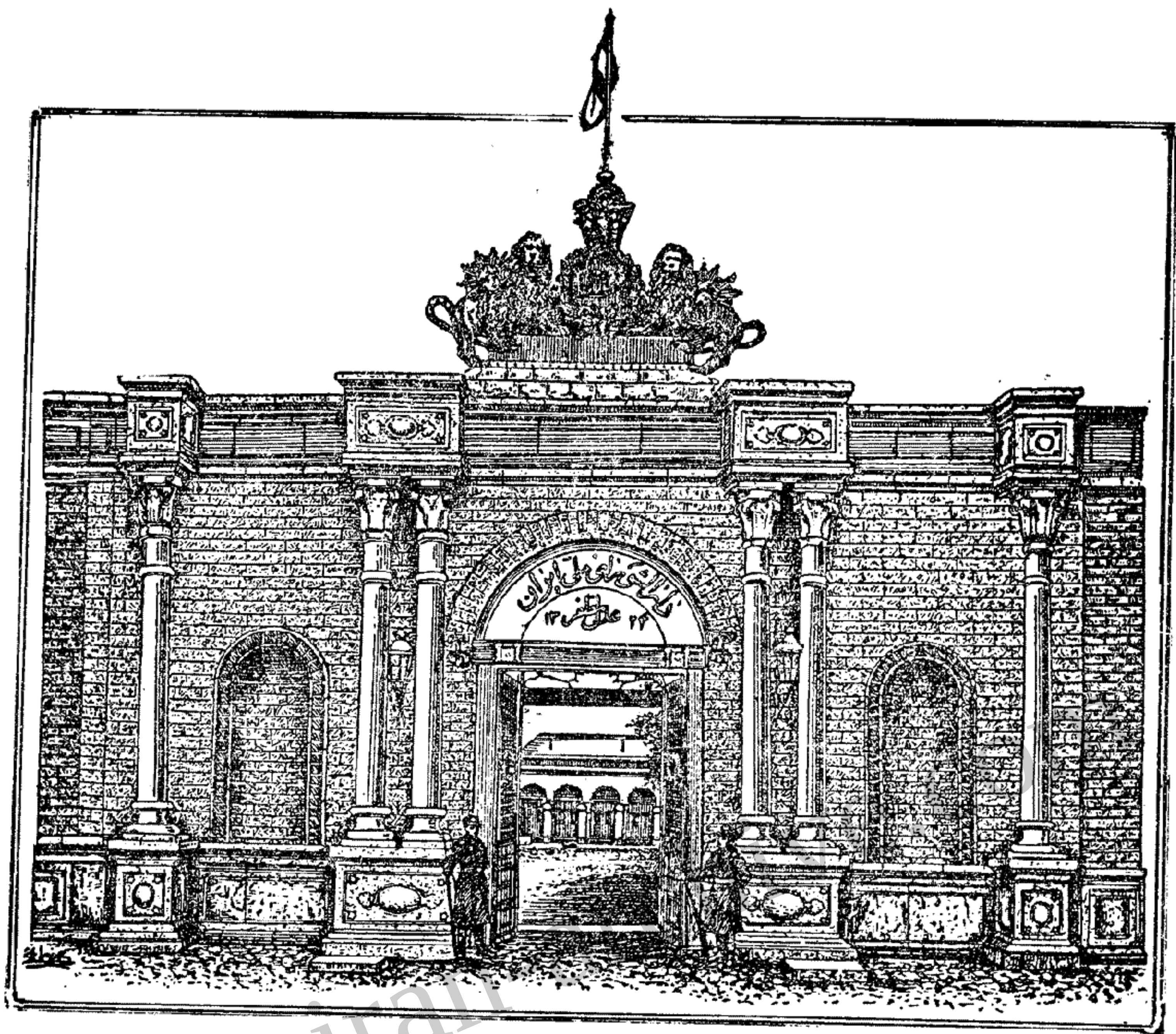




مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس روز یکشنبه ۱۵ آبان ماه ۱۳۰۵ مطابق غره جمادی الاولی ۱۳۴۵

جلسه ۲۷

اعظمی، شیخ علی دشتی، آقا سید حسن مدرس، طباطبائی دیبا، شیخ محمد علی ثابت.
غائبین بی اجازه — آقایان: میرزا سید مهدی خان فاطمی،

مجلس دو ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل
و صورت مجلس یوم پنجشنبه دوازدهم آبان قرائت و تصویب شد.
غائبین با اجازه — آقایان: آقا سید جواد محقق، علی خان

محمدولی خان اسدی، میرزا محمدعلی خان نظام مافی. سیرزایدالله خان نظامی، عطاءالله خان پالیزی، میرزا ابراهیم خان قوام، محمد هاشم میرزا افسر، غلامحسین میرزا مسعود، میرزا علی اکبرخان داور. والی زاده جوائشیر.

دیرآمدگان با اجازه — آقایان: حاج آقا اسمعیل عراقی، مرتضی قلیخان بیات، میرزا حسین خان دادگر، آقامیرزا هاشم آشتیانی، میرزا محمد تقی بهار.

دیرآمدگان بی اجازه — آقایان: فیروز میرزا فیروز، سیرزا احمدخان شریعت زاده، میرزا اسمعیل خان نجوسی. جهانشاهی، دکتر لقمان، ملک آرائی.

آقای نوبخت وعده ای از آقایان نمایندگان پیشنهاد نمودند راپورت کمیسیون بودجه راجع به استخدام سه نفر متخصص برای تهیه مقدمات احداث راه آهن در درجه اول جزو دستور شود و چون مخالف نبود خبرمزیور مطرح و آقای رئیس اظهار نمودند کمیسیون فوائد عامه هم اصل موضوع و کمیسیون خارجه هیئت متخصصین را تصویب نموده اند و در کلیات مسأله چون اظهار مخالفتی نشد برای ورود در شور مواد رأی گرفته تصویب گردید.

ماده اول به ضمیمه تبصره آن مشعر به استخدام یک نفر متخصص نفت از آمریکا و دو نفر متخصص معدن شناس از آلمان قرائت و آقایان آقاسید یعقوب و محمدولی میرزا مخالف بوده آقای آقاسید یعقوب اظهار مینمودند با وجود متخصص ذوب آهن و معادن آهن مکشوفه استخدام متخصص معادن چه ضرورتی خواهد داشت و آقای محمد ولی میرزا اظهار مینمودند بدیهی است اکتشاف معادن و استخراج مواد معدنی مستقلاً از مسائل لازمه بوده ولی ارتباطی با احداث راه آهن نداشته و ممکن است وجوهی که منحصر اختصاص به خارج راه آهن داده شده است صرف این قبیل عملیات شود.

آقایان مخیر و دادگر اظهار نمودند مسأله نفت و ذغال سنگ و آهن و تعیین سواد معدنی قابل تجارت کاملاً مربوط به راه آهن بوده و بدون تهیه این مقدمات احداث راه آهن ممکن نخواهد بود.

دو فقره پیشنهاد اول از طرف آقای عمادی راجع به حذف کلمه (وراث) در تبصره و دوم از طرف آقای آقاسید یعقوب راجع به حذف کلمه (علمی) در ماده قرائت و پس از توضیحات آقای مخیر نسبت به پیشنهاد آقای عمادی رأی گرفته رد و آقای آقاسید یعقوب پیشنهاد خود را مسترد نموده و نسبت به ماده اول و تبصره آن اخذ رأی شده تصویب گردید.

در ماده دوم آقای محمدولی میرزا مدت سه سال را برای استخدام متخصصین زیاد دانسته و آقای دادگر اظهار مینمودند حداکثر مدت سه سال معین شده و بدیهی است بقدر احتیاج و مدتی که لازم است دولت آنها را کنترات خواهد نمود به اضافه استخدام این سه نفر برای تهیه مقدمات راه آهن است والا کشف و استخراج کلیه معادن مملکت خیلی بیش از این ها وقت لازم دارد و بالاخره نسبت به ماده دوم نیز رأی گرفته تصویب شد.

در ماده سوم آقای آقاسید یعقوب یادادین اعتبار برسیل مطلق و عدم تعیین ارقام مخارج مخالف بوده و آقای دادگر اظهار نمودند اولاً اعتبار مستلزم مصرف نمودن تمام وجه

اعتبار نیست و ثانیاً پس از اجراء عمل صورت مخارج از طرف دولت داده خواهد شد و چون عده از نمایندگان مذاکرات را کافی و بعضی غیرکافی میدانستند نسبت به کفایت مذاکرات رأی گرفته تصویب نگردید.

آقایان: عراقی و شریعت زاده تعیین مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان را برای کلیه مخارج با شصت هزار تومان حقوق سالیانه متخصصین سندرجه در ماده چهارم مناقض دانسته و آقای مخیر اظهار مینمودند صد و پنجاه هزار تومان فعلاً بطور اعتبار معین میشود و شصت هزار تومانی که در ماده چهارم ذکر شده حداکثر حقوقی است که برای متخصصین پیش بینی شده مطلب جداگانه ایست و تناقضی با هم ندارد و در صورت لزوم ممکن است مجدداً دولت تقاضای اعتبار دیگری بنماید.

شش فقره اصلاح از طرف آقای خطیبی راجع به تعیین وجه اعتبار از صرفه جوئی وجوه انحصاری قند و شکر و از طرف آقای فرمند راجع به تعیین آن از عایدات بودجه مملکتی و از طرف آقای فهیمی راجع به حذف کلمه (حقوق) و تعیین اعتبار به مبلغ نوزده هزار تومان و از طرف آقای حق نویس راجع به تعیین اعتبار مزیور از محل صرفه جوئی عمومی و از طرف آقای آقاسید یعقوب راجع به تعیین مخارج ماشین آلات از صرفه جوئی وجوه قند و چای و از طرف آقای بامداد راجع به پرداخت شصت هزار تومان حقوق متخصصین از محل مخارج قند و شکر قرائت و پس از مذاکرات لازمه آقای آقاسید یعقوب پیشنهاد خود را مسترد و نسبت به بقیه جداگانه رأی گرفته تماماً رد و ماده سوم تصویب گردید.

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل و در ماده چهارم آقایان: ارباب کیخسرو و محمد ولی میرزا شرحی مشعر به تناقض ماده سوم با این ماده و عدم ضرورت آن اظهار و آقای مخیر مجدداً شرحی برطبق عقیده سابق خود تقریر و آقای آقاسید یعقوب اظهار مینمودند چون یکصد و پنجاه هزار تومان در ماده سوم بطور اعتبار تصویب میشود و مدت استخدام و شصت هزار تومان حقوق سالیانه متخصصین هم حداکثری است که معین شده تناقضی ندارد.

آقای حائری زاده حذف ماده چهارم را پیشنهاد نموده و قابل توجه نشد.

دو فقره پیشنهاد از طرف آقایان ملک مدنی و محمدولی میرزا مشعر به تعیین حداکثر حقوق سالیانه متخصصین به مبلغ چهل هزار تومان قرائت و تصویب نگردید.

ایضاً دو فقره پیشنهاد از طرف آقایان فیروزآبادی و محمد ولی میرزا به مبلغ چهل و پنج هزار تومان قرائت و پس از قدری مذاکره آقای فیروزآبادی پیشنهاد خود را مسترد نموده و نسبت به پیشنهاد آقای محمدولی میرزا و بعد نسبت به ماده چهارم اخذ رأی شده هر دو فقره رد و ماده پنجم تصویب گردید.

آقای دکتر محمدخان مصدق ماده الحاقیه پیشنهاد نمودند مشعر به اینکه دولت مجاز نیست در ضمن کنتراتهایی مستخدمین خارجی هیچگونه اختیاراتی بدون تصویب مجلس برای آنها تعیین

شده و از ۸۱ نفر نمایندگان حاضر به اکثریت ۵۵ رأی تصویب گردید.

جلسه آتیه به روز سه شنبه هفدهم آبان ماه سه ساعت و نیم قبل از ظهر و دستور آن بقیه دستور همین جلسه مقرر و مجلس یکساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد.

آقای پالیزی اظهار کردند استعجازه نموده ام و نیز آقای فاطمی اظهار نمودند که اجازه خواسته اند. نسبت به اظهار اول آقای رئیس فرمودند هنوز تصویب کمیسیون سرخصی نرسیده و نسبت به اظهار آقای فاطمی فرمودند اصلاح میشود و دیگر نسبت بصورت مجلس مخالفی نبود و صورت جلسه تصویب شد.

سه شنبه هفدهم آبان ماه ۱۳۰۵.

رئیس مجلس شورای ملی — سید محمد تدین

منشی: سید ابراهیم ضیاء منشی: میرزا حسن خان سوفر

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه پانزدهم آبان ماه ۱۳۰۵ مطابق غره جمادی الاولی ۱۳۴۵

حائری زاده — خیر، دیروز توزیع شده است.

روحی — اجازه میفرمائید.

رئیس — بفرمائید.

روحی — این خبر دیروز یک ساعت بعد از ظهر توزیع شده است شاید استثناء به بعضی از آقایان اسروز رسیده باشد ولی بطور کلی به عموم آقایان اکثریت دیروز توزیع شده است.

بعضی از نمایندگان — صحیح است.

رئیس — دیروز چون روز جلسه نبوده است که معمولاً تمام آقایان در مجلس باشند بین آقایانی که آنجا بوده اند توزیع شده و دیگر نمی شده است منتظر شوند برای اسروز (نمایندگان — صحیح است) خبر کمیسیون بودجه مطرح است. کمیسیون فواید عامه لزوم استخدام متخصصین را تصدیق کرده کمیسیون خارجه هم با هیئت آنها موافقت کرده است. شور در کلیات خبر کمیسیون بودجه است

آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی — موافقم.

رئیس — آقای سید یعقوب.

آقاسید یعقوب — بنده هم موافقم.

رئیس — آقای دادگر. (اجازه)

دادگر — بنده موافقم.

رئیس — نسبت به کلیات لایحه مخالفی نیست؟

(اظهار مخالفت نشد)

رئیس — رأی میگیریم برای ورود در شور سواد آقایان موافقتن قیام فرمائید.

(اغلب برخاستند)

رئیس — تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

ماده اول — مجلس شورای ملی به وزارت فواید عامه اجازه میدهد که برای تهیه مقدمات احداث راه آهن دو نفر عالم معدن

نماید و آقای مخیر اظهار مینمودند بدیهی است دولت خارج از حدود قوانین اختیاراتی نداشته و در صورت تجاوز بایستی مؤاخذه شوند بعلاوه این موضوع چون مربوط به مصرف مستخدمین خارجی است شاید ذکرش در این قانون مقتضی نباشد و بالاخره نسبت به ماده مزبوره اخذ رأی شده تصویب نگردید.

ماده الحاقیه دیگری از طرف آقای دکتر مصدق و عده از آقایان نمایندگان راجع به عدم تزلزل ماده نهم قانون انحصار قند و چای و یک فقره از طرف آقای آقاسید یعقوب راجع به مسؤولیت متخصصین در مقابل وزارت فوائد عامه قرائت و پس از قدری مذاکره هر دو فقره مسترد گردید.

در ضمن شور کلی آقای فرمند شرحی راجع به لزوم حفظ وجوه قند و چای برای مصرف راه آهن و احتراز از این قبیل مخارج از وجوه مذکوره تقریر و بالاخره نسبت به قانون مزبور با ورقه اخذ رأی

مجلس دو ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید.

صورت مجلس روز پنجشنبه دوازدهم آبان را آقای ضیاء قرائت نمودند.

رئیس — آقای حاج میرزا حبیب الله امین. (اجازه)

حاج میرزا حبیب الله امین. آقای فاطمی را در صورت مجلس غائب بی اجازه نوشته اند در صورتی که ایشان سه روز است مریض هستند.

رئیس — سیماستی اطلاع داده باشند. آقای فرمند. (اجازه) فرمند — بنده در جلسه گذشته کسالت داشتم. کتباً هم به مقام ریاست عرض کرده بودم.

رئیس — هنوز از کمیسیون عرایض در این باب خبری نرسیده است. بعد از مراجعه اصلاح میشود. آقای نوبخت. (اجازه) نوبخت — بنده را هم جزو غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتی که کتباً از مقام ریاست اجازه خواسته بودم.

رئیس — بعد از تصویب کمیسیون عرایض و سرخصی اصلاح خواهد شد. نسبت به صورت مجلس دیگر فرمایشی نیست؟ (گفتند — خیر)

رئیس — صورت مجلس تصویب شد. آقایان نوبخت، روحی و یاسائی، حائری زاده، آقاسید یعقوب، عمادی، خطیبی، و امیرخان کتباً پیشنهاد کردند خبر کمیسیون بودجه راجع به استخدام متخصصین برای راه آهن در درجه اول جزو دستور اسروز باشد.

جمعی از نمایندگان — صحیح است.

رئیس — مخالفی ندارد.

میرزا محمدخان معظمی — بنده مخالفم.

رئیس — بفرمائید.

میرزا محمدخان معظمی — برخلاف نظامنامه است چون اسروز

صبح توزیع شده است.

شناس آلمانی که یکی از آنها متخصص معرفه الارض و دیگری متخصص تجزیه مواد معدنی باشد و همچنین یک نفر متخصص فقط از اهالی ممالک متحده امریکای شمالی استخدام نماید که به مطالعات وضعیت معادن مکشوفه ذغال سنگ و آهن در تمام مملکت و معادن نفت و کشف معادن جدید مشغول شده استعداد معادن مزبوره و کیفیت جنس و متخارج تقریبی استخراج علمی آنها را تعیین نماید. تبصره — تخصص و تجربه متخصصین مزبور را باید وزارت یا ادارات مربوطه دولتی آلمان و امریکا تصدیق نمایند.

رئیس — آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقای سید یعقوب — در این جا در دوره پنجم و آخر دوره ما با یک شوقی این مسئله را تعقیب کردیم و بدولت اجازه دادیم که یک متخصصینی برای راه آهن بیاورد یعنی یکی برای ذوب آهن و یکی هم برای راه آهن اینها را اجازه دادیم و اعتبار کافی هم بدولت دادیم بعد آنچه که بنده مستحضر شدم یک متخصصینی را برای ذوب آهن آوردند — در این مدت که این شخص را آورده اند معلوم نیست چه کرده است متأسفانه نماینده وزارت فواید عامه هم حاضر نشده است که اطلاعی در این خصوص به ما بدهد که در این مدتی که این شخص آمده و سواجب گرفته چه کرده است. بلی یک صحبت هائی در کمیسیون بودجه کردند و گفتند که این شخص گفته است که من را برای ذوب آهن آورده اید ولی من از آن خبر ندارم که در کجا استخراج میشود. و بنده در کمیسیون بودجه عرض کردم این جا هم عرض میکنم و خیلی متأسف هستم از اینکه نماینده فواید عامه اینجا تشریف ندارند. یک نکته را بنده خواستم به عرض مجلس شورای ملی برسانم. متخصصی که ما سی آوریم دولت ایران یا مملکت ایران مملکتی نیست که تازه در جزیره فلان اقیانوس پیدا شده باشد که خبر از معادنش نداشته باشند معادنش چیز جدیدی نیست که کسی نداند و به محض اینکه ما یک کلمه حرف می زنیم می گوید که من متخصص ذوب آهن هستم و خبر ندارم که آهن در کجا واقع شده است. حقیقه یک ترتیبی واقع شده است که من نسبت به این ترتیب می گویم که وزرای ما یک قدری برای متخارج تحمیل کردن زیاده روی می کنند. معادن آهن ایران را همه میدانند. طرف جنوب را حالا کاری ندارم. در طرف شمال یکی معدن آهن سازندران است که آقایان نمایندگان محترم سازندران میدانند. اینجا تشریف دارند. معدنی است مکشوف که در زمان صفویه هم در آن کار می کردند خود من هم رفته ام دیده ام معدن آشکاری است حالا هم در آن کار می کنند. اگر صد مثقال سنگ ریخته شود در توی بوتهاییکه خود اهالی در جنگل درست می کنند هشتاد مثقال آهن در می آید. این معدنش است. در شمال طهران، در سازندران، بروید ببینید. این معدن هیچده فرسخ طولش است. هشت فرسخ عرضش است. همه می دانند ولی در کمیسیون بودجه نماینده وزارت فواید عامه نتوانست بنده را ملزم کند که یک نفر متخصص شناختن معدن بیاورند. آقایان، معدن آهن، مکشوف است و این کسی که برای ذوب آهن آمده است اگر در این پنج شش ماهی که این جا است حرکت کرده بود و رفته

رئیس — آقای احتشام زاده (اجازه)

احتشام زاده — موافقم.

رئیس — آقای محمد ولی میرزا. (اجازه)

محمد ولی میرزا — بنده با تصدیق فرمایشات مخبر محترم ناگزیرم عرایض خودم را عرض کنم و آن این است که این لایحه در ساده اولش تصریح می کند (برای تهیه مقدمات احداث راه آهن) بنده هیچ تردیدی ندارم و تصدیق می کنم که اگر اساساً و بالذات یک لایحه مفصلی میباشد به مجلس شورای ملی برای اکتشاف معادن و برای اینکه معادنی که در ایران هست آنها را تشخیص بدهند و محل آنها را معین نمایند این خودش مهم ترین کارها بوده و به هیچ وجه ارزش آن کم تر از این لایحه نبود و بایستی هم بقدر همین مسئله مورد توجه نمایندگان محترم واقع شود ولی برای احداث راه آهن باید آقایان تصدیق بفرمایند که ما فقط نباید ببینیم که فلان معدن ما کجا است و آنرا کشف نمائیم و مستحضر شویم که ذغال سنگمان کجا است و آنرا تجزیه کنیم که مواد شیمیائی از چه قرار است! چه ترتیب است! خوب است! بد است! یا اینکه بالاخره برویم تشخیص بدهیم که معدن نفت در کجا است و طریق اکتشاف آن چیست؟ بالاخره اینها همه در جای خودش صحیح است. ولی هیچ مناسبتی با راه آهن ندارد...

مخبر — کاملاً مناسبت دارد.

محمد ولی میرزا — آقای مخبر محترم فرمودند دارد ولی بنده عرض میکنم ندارد. برای اینکه البته این امر خیلی مهم است ولی یک مطلب مستقلی است و باید در مملکت همانطوریکه معادن ذغال سنگ تشخیص داده میشود همانطور هم باید به عقیده بنده معادن طلا و نقره و مس و سایر معادن تشخیص داده شود و در در این کار هم خود بنده اول مساعد هستم که مخصوصاً یک نفر متخصص همانطور که اینجا پیش بینی شده برای این کار اجیر بشود اما این مسئله مربوط به کمیسیون راه آهن نیست کشیدن راه آهن یک چیزهای دیگر لازم دارد. نقشه مملکت لازم دارد. نقشه مملکت لازم است. تعیین متخارج لازم است تعیین معین خط لازم است. تعیین وضعیت اقتصادی مملکت لازم است که از چه نقطه به چه نقطه خطوط باید اتصال یابد و همینطور چیزهای دیگر ولی این جا همانطور که مخبر محترم فرمودند همه ما هم یک حس خیلی تندی داریم راجع به نفت که هر چه زودتر این مقصود پیش برود و زودتر به مقصد برسیم ولی این مسئله تماس و ارتباطی با راه آهن ندارد و بنده به طور کلی مخالفم که این مسئله در ماده اول این لایحه ذکر بشود. برای اینکه نوشته است. برای تهیه مقدمات احداث راه آهن دو نفر عالم معدن شناس آلمانی که یکی از آنها متخصص معرفه الارض و دیگری متخصص تجزیه مواد معدنی باشد هم چنین یک نفر متخصص نفت از اهالی ممالک متحده امریکای شمالی استخدام نماید. ما هنوز مهندسین راه آهن را اجیر نکرده ایم! هنوز داخل کار نشده ایم و هنوز نقشه کشی و تعیین خطوط نشده و این قضایا تحت مطالعه قرار نگرفته است آن وقت میگوئیم برای تشخیص معدن! برای اکتشاف معادن! متخصص استخدام

کردن آهن. بعد که اینجا رسید گفت خیلی خوب من آمده ام آهن کجا است؟ چون باو گفته بودند آهن داریم. گفت خیلی خوب دوسیه که شما دارید که در فلان نقطه و فلان نقطه مطابق فلان متخصص آهن دارید در کجا است؟ بمن نشان بدهید. گفتند ما چنین دوسیه در وزارتخانه نداریم. گنت خوب. در این صورت منم در اینجا کاری ندارم چون تا معلوم نشود این آهن در کجا وجود دارد منکه فتم فقط ذوب آهن است کساری نمیتوانم بکنم بعد از او پرسیدند خوب پس حالا چه لازم است؟ گفت دو نفر متخصص لازم است. یکی متخصص طبقات الارض که باید بیاید در ایران و تشخیص بدهد که در کجا وجه نقطه شما آهن دارید. ذغال* دارید. نفت دارید. (البته تصدیق میفرمائید که برای راه آهن در درجه اول آهن باید تشخیص داده شود بعد ذغال و نفت که برای سوخت راه آهن لازم است) این بود که دولت در نظر گرفت سایر معادن خودش را هم که کاملاً با راه آهن ارتباط دارد در نظر بگیرد. بعد گفت یک نفر متخصص دیگر هم لازم دارید که بیاید معادن شما را تجزیه نماید که کدام معدنتان قابل تجارت است و کدام معدن معدنی است که بتواند بدرد بخورد و بالاخره معادن اطراف خط آهن را تجزیه نماید که چه معدنی از معادن باید در موقع احداث خط آهن و پس از احداث آن در اطراف خط موجود باشد (البته این نظر هم برای این بوده که ما به بینیم چه سوادی را میتوانیم بعد از احداث راه آهن از مملکت بیرون بفرستیم) وقتی که این کارهایتان را درست کردید و این متخصصین شما یکی گفت که در فلان جا معدن آهن است و دومی هم گفت که اینجا فلان ماده معدنی بقدر کافی و برای تجارت هست آنوقت تازه کار من معلوم میشود و من باید بروم منطقه که متخصص اولی تعیین کرده است و متخصص دومی تشخیص داده است دیگر را آنجا کار بگذاریم و شروع کنیم بذوب آهن.

اما در موضوع متخصص نفت هم بنده خیال می کنم بقدری این فکر در دماغ آقایان نمایندگان پرورش یافته (که هر قدر زودتر بشود و مملکت زودتر دست باینکار بزند بهتر و بمنافع ما نزدیک تر است) که محتاج هیچگونه توضیحی نیست (نمایندگان — صحیح است) بعلاوه این مسئله ارتباط تامی با این لایحه دارد. چون ما در درجه اول برای راه آهن سوخت لازم داریم و امروزه در دنیا این طور تشخیص داده اند که چیزی که فقط میتواند در کشتی رانی و راه آهن کمک های زیادی بکند نفت است و البته در مرحله اول اطراف این خطوطی را که در موقع نقشه کشی برای خط آهن معین می کنند نفت و ذغال سنگش را این سه نفر تشخیص میدهند و شروع به کار می نمایند و امیدوارم آقایان هم موافقت بفرمایند که زودتر این لایحه بگذرد. و شروع به کار نمایند و یکی دو لایحه دیگر هم هست که مربوط به راه آهن است و آنها هم شاید تا چند روز دیگر به مجلس بیاید و زودتر این کار مهم حیاتی به جریان بیفتد.

رئیس — آقای دادگر. (اجازه)

دادگر — موافقم.

نمائیم!! در صورتی که نفت یک موضوع مستقل و علیحده است. من خوب در نظر دارم که یک ثلث عمر دوره چهارم و پنجم در اطراف قضیه نفت مباحثه شده است و کم و بیش اذهان آقایان نمایندگان و بالاخره عموم مردم به این موضوع متوجه است مگر در آن موقع که مذاکره میشد راجع به سینگل و استاندارد و غیره مباحثه میشد که چه اندازه باید مخارج بکنند تا یک چاهی را حفر نمایند و معلوم شود که در آن نقطه که متخصص تشخیص داده آیا نفت هست یا نیست فقط با تجزیه خاک آن قطعه این مسئله محرز نمیشود که نفت هست یا نیست. مخصوصاً یک قسمت از تجار ما که استیاز نفت گیلان را میخواهند یکی از استدلالهای ما این بود که اینها اینقدر شاید ثروتشان اجازه ندهد که ایجاد چاه و حفر چاه بکنند بنده در کنترات سینکدر در نظر دارم که صد هزار دلار یا بیشتر با کمتر تخصیص داده بود که برای حفريات تشخیص بدهند آقا نفت هست یا نیست. پس ما این پول قند و شکر را که فقط برای کشیدن راه آهن تخصیص داده شده باید صرف اینکار بکنیم. برای اینکه بعد خواهند گفت صد و پنجاه هزار تومان کفایت نمیدهد دو بیست سیصد هزار تومان لازم است که فقط بتوانیم تشخیص بدهیم که نفت در فلان قسمت ارض هست یا نیست و بمرور تمام این پولی که ذخیره شده است برای این سمر و تمام مجلس هم بدون هیچ اختلافی رأی داده ایم که برای راه آهن واحداث آن مصرف شود از بین خواهد رفت. بنده عرض میکنم احداث راه آهن هیچ ارتباطی با سوخت راه آهن ندارد. امروزه اگر متخصصین راه آهن آمدند و نقشه راه را کشیدند، پروژه قطعی آنرا تقدیم مجلس شورای ملی کردند تازه احداث آن ده سال دوازده سال طول دارد که بطور عملی پیش برود و خطوط بهم متصل شود و آنوقت باید سوخت برایش تهیه نماییم. بعلاوه ما در تمام این مدت ادوار دیگری داریم که بعد از ما می آیند و آنها ممکن است در موقع خود فکر سوخت راه آهن را بنمایند ولی ما هنوز فکر خود راه آهن را نکرده در درجه اول بسوختش اهمیت میدهم! از این جهت است که بنده اظهار مخالفت میکنم.

رئیس — آقای دادگر (اجازه)

دادگر — عرض کنم که این لایحه یکی از لویجی است که لازم نیست در توصیف و محسناتش مجلس شورای ملی داخل صحبت بشود (بعضی از نمایندگان - صحیح است) چون خیلی مورد توجه بوده است و همه ما هاترصد داشتیم که زودتر این لایحه بیاید و مطرح شود چون تمام مسائل اقتصادی که در مجلس مطرح میشود این لایحه تقریباً ام اساس است (نمایندگان - صحیح است). اینکه شاهزاده محمد ولی میرزا میفرمایند که الزامی باین سوخت و راه آهن نیست! بنده نفهمیدم چه طور نیست؟! این مسئله محرك است و متحرك و اگر یک کدام از اینها را فاقد باشد موضوع از بین میرود (نمایندگان - صحیح است) اما اینکه میفرمایند در مسئله نفت تجربیاتی برای ما حاصل شده، البته این قسمت هم در خاطرشان هست که ما همیشه مترصد بودیم که برای راه انداختن و عملی شدن این موضوع هرچه قدر ضروری و لازم باشد خرج کنیم. البته اگر این صد و پنجاه هزار تومان کافی نبود باید مضاعف کنیم. (نمایندگان - صحیح است) اگر آنها کفایت نکرد باز مضاعفش

کنیم تا بالاخره بمقصد برسیم. نظر بنده که این است و البته سایر آقایان هم همین منظور را دارند که باید این قضیه را حقیقتاً خیلی با حسن نظر تلقی نمود و با تمام وسایل اسبابش را مهیا کرد و جلو رفت که اشکالی هم پیش نیاید. بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس — رأی گرفته میشود بماده اول بضمیمه تبصره...
عمادی — بنده در عبارت تبصره عرض دارم. یک کلمه خیلی مختصر. اجازه میفرمائید؟

رئیس — اگر پیشنهادی دارید بکنید. چون مذاکره کافی شده است.

(آقای عمادی پیشنهاد خود را تقدیم نموده)

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم عبارت ادارات مربوطه کافی است شامل وزارت و غیره میشود.

رئیس — بفرمائید.

عمادی — چون فقط از عبارت تبصره مقصود این است که متخصص تصدیق داشتن تخصص را از اداره آن دولتی که از آنجا متخصص میخواهیم، داشته باشد و جمله ادارات مربوطه بعقیده بنده کافی است دیگر محتاج بلفظ وزارت نیست. ادارات مربوطه اعم است از وزارت و غیره. این بود عرض بنده.

مخبر — تصور میکنم اشکالی نداشته باشد در این باب پیشنهادی هم در کمیسیون بودجه شد ولی بعضی از مالک هستند که وزارت خانه دارند و بعضی از مالک هم اساساً اداره دارند و اگر هردو باشد بهتر است چون ممکن است یک وقت در ترجمه اشکال پیدا شود از این جهت هر دو کلمه ذکر شده و اگر آقا پیشنهادشان را مسترد فرمایند بهتر است.

رئیس — رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای عمادی آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمائید.

(فقط آقای عمادی - قیام نمودند)

رئیس — قابل توجه نشد پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب.

(این قسم قرائت شد)

مقام محترم ریاست. در سطر چهارم صفحه دوم حذف کلمه

علمی را پیشنهاد می کنم.

رئیس — بفرمائید.

آقا سید یعقوب. بنده خواستم (نه اینکه یک دفعه به بنده حمله کنند که فلانی برضد علم است) تخیر. چون این قید را بنده نفهمیدم برای چه چیز است؟ شاید اسباب چیز بشود. اینجا نوشته است (استخراج علمی آنها را تعیین نمایند) من میترسم که مبادا اسباب زحمت بشود. و اگر بنویسند (استخراج آنها را تعیین نمایند) بهتر است والا کلمه (علمی) را گذاشتن غیر از اینکه اسباب تضییقات بشود چیز دیگری نیست این است که بنده مخالفم.

رئیس — آقای یاسائی - (اجازه)

یاسائی — بنده تعجب میکنم از آقای آقا سید یعقوب که این پیشنهاد را میفرمایند!! استخراج البته باید علمی باشد والا ممکن است رعایا همانطور که الان هم در پاره نقاط معمول است یک تیکه آهن را از یک گوشه پیدا کنند و یا کاشوش کنند و آب کنند

می کنند قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد ماده سوم.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده سوم — برای حقوق و مخارج متخصصین مزبور خرید و اسباب ماشین آلات و ادوات و سایر مخارج لازمه اعتباری به مبلغ یک صد و پنجاه هزار تومان از محل وجوه انحصار قند و چای اعطا میشود.

رئیس — آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب. بنده اساساً با جلب کردن عالمین برای مملکت مان و سیر دادن مملکت به راه ترقی کاملاً و حقیقتاً موافقم لیکن همیشه در این جور موارد غالباً سوادی میاید که مورد ایراد بنده واقع میشود. در اینجا هم گرچه دولت در ماده چهارم معین کرده است که حقوق سالیانه این متخصصین نباید از شصت هزار تومان تجاوز نماید ولی ما وقتی وارد در مرحله عمل بشویم می بینیم که سال به سال این متخصصین را که ما جلب می کنیم ترتیب حقوقشان فرق میکند و متصل زیاد میشود! من نمیدانم این چه حکایتی است!! وقتی ملاحظه بفرمائید نسبت به خودمان کمال سخت گیری و صرفه جوئی را منظور میداریم و در ادارات دولتی خودمان و نسبت به مستخدمین ایرانی مان چقدر ملاحظه میکنیم لکن نسبت بخارجه که میشود یک جوری دیگر واقع میشویم!! نمی خواهم بگویم که در بنده حسن ضد اروپائی هست. خیر. در من حسن پرسیدن ایرانیها هست نه اینکه خدای نخواستنه متجددین بر بنده حمله کنند که من ضد اروپائی هستم. خیر میخواهم هرچه هست به جیب ایرانی برود و مخالفت بنده از این نقطه نظر است که من می بینم سال بسال این متخصصینی که ما از حیث علم و دانش شان به آنها محتاج هستیم حقوقشان زیاد میشود. حالا یقین دارم که مخبر محترم اینجا میفرمایند که این مبلغ اعتبار است و می توانیم یک قدری از آن را ملاحظه بکنیم. بنده مخصوصاً در کمیسیون بودجه هم عرض کردم که به وزراء تذکر داده شود که این اعتباراتی که ما بهشان میدهم هر طوری که دلشان میخواهد خرج نکنند. میگویند بما اعتبار داده اید که هر قدر دلمان می خواهد خرج کنیم. دلیلش هم همین صورت خرجی است که بما داده اند!! در اینجا هم میگویند خوب شما اعتبار داده اید ما دست خودمان است هر جور بخواهیم خرج می کنیم! بنده عرض میکنم این اعتباری که ما میدهم باید قلم بقلم در تحت سواد جزء دریاید و آقایان جداً ملاحظه بفرمایند. تحت مراقبت قرار بدهند. بنده نگاه می کنم می بینم صورت مخارجی که مجلس شورای ملی بر سبیل اعتبار کلی بدولت داده است. در مقام خرج که برمی آیند یک قلمهائی را در آنجا ذکر کرده اند که وقتی رجوع کنیم به آنها بنده که تکلیف و

وظیفه خودم اینرا میدانم که آنها را اجازه ندهم. در اینجا هم صد و پنجاه هزار تومان اجازه میدهم بدولت که شصت هزار تومان حقوق برای متخصصین بطور حداکثر تعیین نمایند مابقی را برای خرید ماشین آلات و ادوات لازمه. بنده عرض میکنم این اعتبار از آن

و بگویند استخراج کردیم. همین الان در سمنان رعایا میروند از چاههای نفتی که مرحوم صنیع الدوله داده اند حفر کرده اند نفت در میآورند البته اینهم استخراج است ولی استخراج علمی نیست و بعقیده بنده این کلمه لازم است و البته باید متخصص بابک سبادی علمی دستور استخراج را بدهد و این قید خیلی لازم است.

آقا سید یعقوب — استرداد می کنم.

رئیس — رأی گرفته میشود بماده اول بضمیمه تبصره آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(اعلب — قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. ماده دوم.

(شرح آتی قرائت شد)

حداکثر مدت استخدام متخصصین مزبور سه سال خواهد بود

رئیس — آقای دادگر. (اجازه)

دادگر — موافقم.

رئیس — آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب — بنده هم موافقم.

رئیس — آقای محمد ولی میرزا.

محمد ولی میرزا — در اینجا بنده سه سال را زائد میدانم. چون می نویسد حداکثر مدت استخدام متخصصین مزبور سه سال خواهد بود و برای تحقیقات معرفه الارض و تحت الارض سه سال خیلی زیاد است و یک عمری است و آقایان با این عجله شان سه سال را خیلی زیاد قرار داده اند. و ضرورت ندارد. آنها هم با این میزان حقوقی که در ماده سوم معین شده است و تا این متخصصین بیایند اینجا تقریباً بیست هزار تومان هم خرج مسافرتشان میشود فقط یک مدتی اینجا باید اوقاتشان را صرف مسافرت در نقاط مملکت بکنند و با وسایل سریع مسافرت و اتومبیل اینقدرها بعقیده بنده مسافرتشان در مملکت طولانی نیست یک ماه — دو ماه یا شش ماه برای تجزیه فلان خاک یا فلان سنگ بیشتر لازم نیست که بالاخره بروند و مواد معدنی را آنالیز کنند و به وزارت فرایند عا به راپرت بدهند. و این کار مقدساتی و سرفتنی حداکثر مدتش شش ماه، یک سال نه پانزده ماه بیشتر نیست و با سه سال بنده مخالفم.

دادگر — اولاً حداکثر را کمیسیون برای همین منظوری که حضرت والا فرمودند قائل شده اند که اگر از برای استخراج معدن دولت تا سه سال هر قدر لازم دانست این متخصصین را استخدام نماید بعلاوه این حداکثر برای راه آهن است والا اگر برای کلیه معادن بخواهند مسلماً سه سال خیلی خیلی کم خواهد بود و خیلی بیشتر از اینها وقت لازم است. لذا بعقیده بنده سه سال حد بسیار معتدلی است و شاید ضرورت ایجاب نماید که دولت برای تجزیه معادن همین مقدار وقت صرف نماید.

(بعضی از نمایندگان — صحیح است.)

رئیس — آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی — موافقم.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — رأی گرفته میشود بماده دوم آقایانی که تصویب

است و باید یا آقای مخبر قبول فرمایند یا بنده پیشنهاد میکنم. این اعتباری که داده میشود برای خرید ماشین آلات در هر موقع مجلس که باشد آن وزیری که مأمور اجرای این قانون است صورتش را بدهد تا مجلس شورای ملی مستحضر شود که به کلمه سطلق و مبهم رأی ندهد چون مجلس شورای ملی کاملاً ناظر و منتش است در مخارج وزارت خاها. حالا که منتش است کاملاً باید این را تحت نظر قرار بدهد و جزء جزءش را بخواهد نه اینکه اعتباری بطور کلی بدهد. از این جهت بنده با این کلمه اعتبار بر سبیل سطلق و بدون تفیش یا صورت دادن دولت به مجلس مخالفم.

رئیس — آقای دادگر. (اجازه)

دادگر — اولاً از اجازه ام استفاده میکنم و این قسمت را عرض میکنم: اشخاص وقتی با مخارج معادف میشوند دوجوراست گاهی اگر همشان بلند است به تکثیر عایدات میپردازند و اگر چنانچه یکقدری نظرشان پست باشد غالباً اضافه مخارج را به اسماک تعدیل مینمایند بنده با فکر ثانوی مخالف هستم و معتقدم یک سلتی وقتی در مقابل حوائج و ضروریات خودش واقع میشود باید حتماً مسرف هم باشد یعنی خرج بکند تا به مقصود خودش برسد آقای آقا سید یعقوب فرمودند صد و پنجاه هزار تومان برای اینکار تخصیص داده اند. اولاً خود ایشان فرمودند صد و پنجاه هزار تومان اعتبار است و البته باید این را دانست که اعتبار مستلزم خرج نیست. ممکن است خرج بکنند یا ممکن است یک مبلغ کمی خرج کنند چون این برای یک مخارج مقدساتی است که یکمقدار ماشین آلات و ادوات و وسائل و اسباب تهیه کنند. به اضافه فرمودند صورت را هم قبلاً بدهند. چطور میشود صورت را قبل از خرج داد؟! برای اینکه همیشه مخارج را پس از داشتن اعتبار و صرف کردن میشود معین کرد!! و به نظر بنده اینها مسائل نظری نیست که به بحث باشد.

رئیس — آقای فرمند. (اجازه)

فرمند — مخالفت بنده با این ماده از نقطه نظر این است که این صد و پنجاه هزار تومان از محل وجود انحصار قند و چای تشخیص داده شده بنده تصور میکنم با اضافه که در بودجه داریم و همینطور هم عایدات ازدیاد پیدا میکند (چون بطوریکه اطلاع داریم عایدات هم به واسطه ممیزی خیلی زیاد میشود) این قسمت را اگر آقای مخبر قبول فرمایند که در بودجه مملکتی منظور بشود و از وجوه انحصار قند و چای برنداریم بهتر است چون این پولی که در بانک جمع شده است بنده معتقدم نباید به آن دست بزنیم. برای اینکه صد و پنجاه هزار تومان مبلغ مهمی نیست و ممکن است در بودجه منظور دارند این است که تقاضا میکنم اگر ممکن است از محل وجوه قند و چای نباشد و در بودجه مملکتی پیش بینی شود و پیشنهاد هم کرده ام.

مخبر — اگر مخارج نقشه برداری راه آهن را ما از محل انحصاری خودش خرج ننمائیم پس وجوه انحصاری قند و چای را خرج چه کاری بکنیم؟! تمام لواایح و چیزهایی هم که بعد سیاید مربوط به این قسمت است و با هم ارتباط دارد. و بالاخره آن کسی

که متخصص نقشه برداری است و از آلمان سیاید و آن کسی که متخصص ذوب آهن است اینها یک لوازمی میخواهند برای اینکه مقدمات راه آهن را از حیث تهیه مواد و از حیث نقشه برداری فراهم بکنند و این هم مستحضر باید از محل خودش خرج بشود و اگر شما در بودجه مملکتی اطلاع دارید که اضافاتی دارند (بنده که اطلاع ندارم). حالا بفرض اضافاتی باشد آنهم از محل ممیزی که هنوز قانونش بجزریان نیفتاده و شاید تا پنج سال دیگر هم ممکن نشود این قانون اجراء شود و بعداً اگر یک همچو اضافاتی هم سراغ دارید بنده مخارج او را قبلاً عرض میکنم: تحصیل اجاری شما دارید، تشکیلات صحی دارید و بالاخره انواع و اقسام مخارج دارید که باید از این راه آن مخارج و احتیاجات تأمین بشود. و بعقیده بنده باید این پول صرف مواد و نقشه برداری و کشیدن خط آهن بشود زیرا انحصار بخودش دارد.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟

بعضی از نمایندگان — کافی است.

عراقی — بنده مخالفم با کفایت مذاکرات.

رئیس — بفرمائید.

عراقی — بنده چون تصور میکنم اشکالی در ماده سوم است و اگر مذاکرات کافی بشود رفع آن اشکال نمیشود از این جهت اگر اجازه فرمائید اول آن اشکال را عرض کنم بعد به کفایت مذاکرات رأی گرفته شود. در این ماده سوم مینویسد: برای حقوق و مخارج متخصصین سربور خرید و اسباب ماشین آلات و ادوات و سایر مخارج لازمه اعتباری به مبلغ صد و پنجاه هزار تومان... این مبلغ اعتباری است که بدولت میدهند آنوقت در آخر ماده چهارم مینویسد که نباید حقوق ماهیانه متخصصین از شصت هزار تومان تجاوز نماید. سه شش تا هیجده تا. که یعنی در مدت سه سال صد و هشتاد هزار تومان میشود. در صورتی که ما صد و پنجاه هزار تومان اعتبار میدهم و این مبلغ برای حقوق آنها هم کافی نیست. بدون اینکه در قسمت های دیگر داخل شده باشیم.

مخبر — این قسمت را در ماده خودش توضیح خواهم داد.

رئیس — تصور میشود دو موضوع باشد.

مخبر — صحیح است.

رئیس — رأی گرفته میشود به کفایت مذاکرات. آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده ای قیام نمودند)

رئیس — کافی نیست. آقای عراقی بفرمائید.

حاج آقا اسمعیل عراقی — بنده خیال میکنم فرمایشاتی که مخبر محترم فرمودند راجع به اینکه ما بالاخره پول قند و چای را به چه کار بزنیم این تقریباً مثل این است که ما یک پولی آنجا داریم و در سرخرج کردنش متحیریم و مجبوریم که راه خرجش را پیدا کنیم از این جهت فکر این افتاده ام از این راه مخارجی برایش ترتیب بدهیم! این پولی که مخصوص راه آهن است خرج کردن در این مقوله یک قسمتی است که به توسط سریشم باید به هم چسباند:

این ماده فقط صد و پنجاه هزار تومان اعتبار داده شده است در صورتی که اگر فرض بشود که بموجب ماده چهار دولت محتاج بشود حداکثری را که مجاز است درباره حقوق متخصصین منظور نماید گمان میکنم در مدت سه سال این مبلغ مستهلک خواهد شد بنابراین تصور میکنم این قسمت را نباید به قید بی اعتنائی تلفی کرد و بگوئیم اگر دولت احتیاج پیدا کرد و لازم دانست مجدداً پیشنهاد میکند و اگر آقای مخبر و سایر آقایان موافقت فرمایند و این ماده از این حیث اصلاح شود بهتر است زیرا بواسطه اهمیت موضوع نباید بی اعتنائی کرد زیرا که این متخصصین با تمام خدماتی که مشغول هستند تصور میکنم مخارج دیگری هم برای استفاده از خدمات آنها ضرورت پیدا کند بنابراین این اشکال وارد خواهد بود. رئیس — آقای فویجی موافقت.

فویجی — بنده با نظریه آقای شریعت زاده موافقم.

مخبر — عرض کنم البته این موضوع شاید به نظر آقایان ظاهراً تناقض داشته باشد ولی آن قسمتی که در کمیسیون طرف توجه بود این است که اساساً دولت صد و پنجاه هزار تومان اعتبار برای انجام این کار خواسته است ولی در کمیسیون بطور مطلق با پیشنهاد دولت موافقت نشده که تعیین حداکثر حقوق مستخدمین در سال همینطور مبهم بماند و این ماده در کمیسیون بودجه این طور اصلاح شد که فعلاً دولت برای انجام این مقصود بیشتر از صد و پنجاه هزار تومان اعتبار لازم ندارد آن هم برای دادن سواجب و تهیه ادوات و کارهای مقدساتی. و این هم یک امر علیحده است با اعتبار مشخص. آنوقت مستخدمین را هم که ما در این لایحه استخدام میکنیم اصولاً حداکثر حقوقشان را سالیانه بیشتر از شصت هزار تومان تصویب نمی کنیم. یعنی اسسال از این صد و پنجاه هزار تومانی که اعتبار گرفته است شصت هزار تومان آن به جهت دادن سواجب است. و نود هزار تومان آن هم برای سایر مخارج و البته برای بعد دولت اگر اعتباری لازم بداند سال دیگر در موقع بودجه پیشنهاد میکند یا اعتبار جدیدی میگیرد که هم سواجب آنها را بدهد و هم سایر مخارج را بکند.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟

بعضی از نمایندگان — بلی کافی است.

رئیس — آقای عمادی تذکر داده اند که (واو) بین خرید و اسباب زائد است.

مخبر — تصور میکنم واو زائد نیست عبارت مقدم و مؤخر است باید این طور اصلاح شود: (مخارج متخصصین سربور و خرید اسباب و ماشین آلات و ادوات) واو را قبل از کلمه خرید باید اضافه کرد.

رئیس — بسیار خوب اصلاح میشود. پیشنهاد آقای خطیبی.

(به شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم صد و پنجاه هزار تومان حقوق متخصصین و خرید اسباب و ماشین آلات از محل صرفه جوئی مخارج انحصار قند و چای داده شود.

میفرمایند چون یک قسمت از راه آهن بواسطه نفت کار میکنند پس این پولی را که ما گذاشته ایم برای راه آهن این را بیاوریم خرج نفت کنیم و بینیم چاه نفت در کجا واقع است و بنده در این قسمتش اشکال داشتم و هنوز هم نتوانسته ام متقاعد بشوم. و این عبارتی که نفت ارتباط به راه آهن دارد و برای سوخت لازم است و ممکن است خدای نخواستہ ذغال سنگ تمام شود و ما باید در انبارها نفت و ذغال داشته باشیم وجه وجه بشود. بنده که نفهمیدم! پس خوب است این را آقای مخبر یک توضیحی که حقیقه منفع باشد بفرمایند تا بنده هم بتوانم در این قسمت رأی بدهم والا اگر توضیحاتشان همان بود که فرمودند بنده نمی دانم چطور این توضیحات را منفع بدانم و خودم را قانع کنم و رأی بدهم.

رئیس — آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی — آقای عراقی فرمودند ما دست و پا میکنیم برای اینکه به جهت عوائد قند و چای مخارجی درست کنیم اینطور نیست! شما که میخواهید خط آهن در این مملکت دارا بشوید. آهن هم برای لوازم آن میخواهید. آن سربور مارتین متخصص آلمانی که در دوره پنجم رأی دادید و آمد این شخص میگوید دو نفر دیگر هم برای اینکار لازم است و البته باید آن دو نفر را هم بنابر تقاضای او استخدام کرد و آورد که یک معاوالتی درباره او یعنی در قسمت معادن تحت الارضی بکنند. اما اینکه فرمودند استخراج نفت چه ارتباطی با خط آهن دارد بنده عرض میکنم کاملاً ارتباط دارد. آنوقت که نقشه کش میخواهید برای اینکه نقشه خط آهن را برادرار باید ملاحظه کنید ببینید خطی که از فلان نقطه به فلان نقطه عبور میکند این خط در مجاورت معدن نفت است یا در مجاورت ذغال سنگ است؟ و اگر در نزدیکی معدن نفت باشد با صرفه تر این است که موتورها و لوکوموتورها را با نفت حرکت بدهند یا با ذغال سنگ در اینصورت از روز اول ما باید در فکر استخراج نفت باشیم بعلاوه لزوم استخراج نفت جای شبهه و تردیدی نیست برای احدی و چون کشیدن خط آهن هم ملازمه دارد با استخراج نفت این است که در این ماده قید شده است که از عوائد قند و چای باید بمصرف آن برسد و این نکته را هم آقایان باید در نظر بگیرند که استخراج نفت ایران را خود ایرانی ها باید بنمایند یعنی یا دولت باید بنماید یا افراد مملکت...

جمعی از نمایندگان — صحیح است.

یاسائی — و حالا که ما یک وجوهی داریم که میتوانیم از باب کشیدن خط آهن بمصرف استخراج نفت برسانیم نباید هیچ نگرانی از برای آقایان باشد ولی اگر یک نگرانی و افکار دیگری است؟ که بنده نمیدانم.

رئیس — آقای شریعت زاده. (اجازه)

شریعت زاده — نسبت به قسمتی که مربوط است به مقدره بودن استخدام متخصصین بنده تصور میکنم بقدری صحیح و منطقی باشد که هیچ جای تردید نباشد و مخالف بنده هم در این قسمت نبود بنده مخالفتم از آن جهت بود که آقای عراقی هم در موقع استدلالهای راجع به کفایت مذاکرات اشاره به آن فرمودند زیرا در

رئیس - بفرمائید.

سیرزا علی خان خطیبی - خاطر آقایان نمایندگان محترم مستحضر است که در قانون انحصار قند و چای در ماده یازده برای جمع آوری عایدات مزبور صد هشت درصد به دولت اعتبار داده شده است و بطوری که بنده اطلاع دارم مبلغی از این اعتبار صرفه جوئی شده است و حتی در کمیسیون بودجه هم این مسأله مذاکره شد و خود دکتر بیلسپوه هم حاضر بود که شصت هزار تومان حقوق متخصصین را از این بابت قبول کند ولی بعد نمیدانم چه طور شد که این قسمت در بوته اجمال ماند؟ این است که بنده پیشنهاد کردم این صد و پنجاه هزار تومان از محل صرفه جوئی اعتباری که برای وصول عایدات قند و چای بدولت داده شده است پرداخته شود.

رئیس - آقای بیات. (اجازه)

مرتضی قلی خان بیات - آقای خطیبی اگر درست دقت بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که هیچ تفاوتی در اصل موضوع پیدا نمی شود. چون این یک بودجه مملکتی نیست که سال بسال تفاوت پیدا کند مثلاً بگوئیم بودجه امساله بخرج پارسال نرسد یا بودجه پارساله بخرج امسال نرسد. این عایدات قند و چای یک وجوه مخصوصی است که برای مخارج معینی که مجلس لازم میداند تخصیص داده شده است و اگر یک صرفه جوئی هم در قسمت مخارجش پیدا بشود جزو عایدات نیست یعنی در جزو اصل سرمایه میماند و آنچه مخارج بشود حساب میشود و هر چه هم که عایدات است دریافت و حساب میشود. بنابراین از بابت هر محلی که تصویب بفرمائید تفاوتی در اصل موضوع نخواهد کرد.

رئیس - آقای مخبر چه میفرمایند؟

مخبر - بسته به نظر مجلس است.

رئیس - رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن این پیشنهاد.

آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فرمند.

(به ترتیب ذیل خوانده شد)

مقام منبع ریاست مجلس دامت شوکته.

بنده پیشنهاد میکنم قسمت آخر ماده سوم این طور اصلاح

شود.

مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان در بودجه دولت منظور دارد.

رئیس - بفرمائید.

فرمند - بنده همان عرضی را که سابقاً تذکر دادم در این ماده باز تکرار میکنم. بنده جداً معتقدم به اینکه باید به وجوه قند و چای که در بانک تمرکز پیدا کرده است دست نزیم زیرا دو بیست و پنجاه هزار تومان از این پول که در مجلس برای یک موضوعی تصویب شده و حالا هم صد و پنجاه هزار تومان تصویب میکنیم و بالاخره این پول کم کم بمصرف هر گونه استحضانات علمی یا صنعتی یا اقتصادی که میخواهیم بکنیم میرسد و یکوقت خبر میشویم که این پول در نتیجه این استحضانات تمام شده است. حالا بنده از نقطه نظر اینکه یک متخصص بیاید اینجا مخالف نیستم و این پولهای را

علیحده و حسابی دارد مجزی و هیچ نمیشود با عایدات مملکتی با هم جمع کرد برای اینکه حسابش علیحده است. بنابراین بنده تصور میکنم با آن پیشنهادهایی که مجلس تصویب نکرد دیگر این پیشنهاد موضوعی ندارد.

رئیس - عقیده مخبر چیست؟

مخبر - بسته است به نظر مجلس.

رئیس - رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن این پیشنهاد.

آقایان موافقین قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب.

(به ترتیب ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم مخارج ماشین آلات از محل صرفه جوئی

وجوه انحصار قند و چای داده شود.

رئیس - بفرمائید.

آقاسید یعقوب - یک فرمایشی آقای بیات فرمودند که بنده ناچارم جواب عرض کنم در پیشنهادی که آقای خطیبی دادند بنده هم اعضاء کرده بودم. ما در دوره پنجم آمدیم عوائد را تقسیم کردیم ولی عمداً در نظر گرفتیم که وجوه قند و چای را دولت بهیچ کمندی نتواند آن را در چنگال خودش بیندازد و این پول منحصر باشد بمسائل مربوطه بخودش و دولت بهیچ راهی خرج نکند این بود که ما آمدیم این پول را علیحده قرار دادیم و ملاحظه هم فرمودید که در قانون یک سور دور آن کشیدیم ولی این سور کم کم دارد شکسته میشود. تمام نظر ما این بود که این پول منحصر به مخارج راه آهن باشد و دیگر شعبه پیدا نکند و به همان اصطلاحی که داریم اجل در خانه مان را پیدا نکنند آقای فرمند پیشنهاد کردند از بودجه خرج کنند رد شد. آقای خطیبی پیشنهاد کردند از صرفه جوئی قند و چای صرف این کار بشود که اصل این پول محفوظ بماند (چون حقیقتاً محل اطمینان ما این پول است) آنهم رد شد بنده خواستم خدمت آقای بیات عرض کنم که شماره دوره پنجم اینجا تشریف داشتید و وزیر سالیه هم بودید. در اینجا ملاحظه بفرمائید که ما چه طور دور این پول را خطی از آهن یکشیم و چه طور مسلح و زره پوشش کنیم که چنگالی در آن فرو برده نشود؟ این مسأله را در نظر بگیرید. حالا چون متخصص برای راه آهن و نفت میخواهیم که خیلی هم مداخلت دارد بنده پیشنهاد کردم مخارج ماشین آلات از محل صرفه جوئی قند و چای داده شود حالا میفرمایند صرفه جوئی آن و این یکی است. بنده عرض میکنم ایداً یکی نیست. چه طور ما مال موقوفه را به عقیده مسلمانیمان ملاحظه میکنیم که داخل پولهای دیگر نشود و محفوظ میداریم که ایداً کسی مداخله نکند این را هم باید همانطور مجلس در تحت نظر و تقیث کامل قرار بدهد که دولت بهیچوجه مداخله در آن نکند. این است نظر من. شما میفرمائید چه فرق میکند! خرج دولتی است. این هم صرفه جوئی است آن هم صرفه جوئی است! خیر این طور نیست بنده پیشنهاد کردم آن چیزی که مداخلت

تام دارد و خیلی هم ناچار هستیم تهیه کنیم از قبیل ماشین آلات

شصت هزار تومان تعیین میفرمائید برای حقوق این سه نفر متخصص و نود هزار تومان برای خرید اسباب و ادوات و ماشین آلات باقی میماند و در سنوات بعد تکلیفش معلوم نیست، چون در واقع اعتباری را که دولت برای خرید ماشین آلات میخواهد نود هزار تومان است در ماده بعد هم تصریح میکند که شصت هزار تومان از بابت حقوق سالیانه متخصصین داده خواهد شد و به این طرز و میزان که اعتبار بدولت داده شود در آتیه هم تولید اشکال میکند و البته با قانون بودجه هم مخالف است. این است که بنده پیشنهاد کردم در اینجا لفظ حقوق حذف شود و نود هزار تومان اعتبار برای خرید ادوات و اثاثیه بدولت داده شود، در ماده بعد هم که حقوق متخصصین را تعیین میکند علیحده در بودجه پیشنهاد میشود و تصویب میکنیم و در آتیه هم اشکالی پیش نمیاید.

مخبر - تصور میکنم با توضیحی که بنده دادم و مخصوصاً اطلاعی که آقای فیهمی از اصطلاحات ما دارند کافی بوده که قانع شوند، ماده چهارم تعیین مبلغ و حقوقی نکرده بلکه یک موضوعی را ذکر کرده و آن اینست که میگوید حقوق متخصصین از شصت هزار تومان نباید تجاوز کند ولی در ماده سوم صد و پنجاه هزار تومان برای تهیه مقدمات و استخدام متخصصین اعتبار میدهد و البته هر وقت دولت کافی ندانست مجدداً اعتباری از مجلس میخواهد. ماده چهارم تعیین حقوق نکرده است بلکه فقط یک تذکری است که دولت در موقع تعیین حقوق آنها از صد و شصت هزار تومان تجاوز نکند.

رئیس - رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن این پیشنهاد

آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدل هم ملحق

به پیشنهاد آقای فیهمی است. پیشنهاد آقای حق نویس.

(به ترتیب ذیل خوانده شد)

اینجانب پیشنهاد میکنم بجای «از محل وجوه انحصار قند

و چای» «از محل صرفه جوئی عمومی» نوشته شود.

رئیس - آقای حق نویس. (اجازه)

آقاسیرزاعلی حق نویس - عرض کنم این جا دو نظریه اظهار میشود یکی لزوم استخدام متخصصین و یکی هم اینکه بوجوه انحصاری دست نخورد بنابراین بنده برای جمع هر دو نظریه پیشنهاد کردم این وجوه از محل صرفه جوئی عمومی پرداخته شود که بوجوه انحصاری هم دست نخورد.

رئیس - آقای بیات. (اجازه)

مرتضی قلی خان بیات - این پیشنهادی که آقای حق نویس کرده اند بنده نمیدانم مقصود ایشان از صرفه جوئی عمومی چیست اگر مقصود اینست که جزو بودجه مملکتی محسوب شود که این را آقای فرمند پیشنهاد کردند و مجلس رد کرد و اگر مقصود صرفه جوئی قند و چای است که آقای خطیبی پیشنهاد کردند آنهم رد شد و اگر صرفه جوئی عمومی را پیشنهاد فرموده اند که جمع بکنند بین هر دو سه تا که این وجوه قند و چای حسابی دارد

که ما تصویب کرده ایم برای راه آهن اگر بخواهیم بمصرف این نوع مخارج برسانیم تصور میکنم یواش یواش باید از موضوع راه آهن صرف نظر نمائیم بجهت اینکه تمام این کارها یک امتحاناتی است و بنده اطلاع دارم در بودجه ما بقدر این صد و پنجاه هزار تومان محل هست و میتوانیم جزو بودجه وزارت فوائد عامه این محل را تخصیص بدهیم برای این کار و هیچ اشکالی هم ندارد زیرا در بودجه به این اندازه اعتبار داریم یعنی اضافه عایدات داریم. و بنده تصور میکنم مجلس برای اینکه کار راه آهن درست و زودتر عملی شود باید حتی المقدور کوشش کند که از این محل اعتباری بدولت ندهد. این بود عقیده بنده.

رئیس - آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - آقای فرمند فرمودند ما این مخارج را از اضافه عایدات مملکتی بپردازیم در صورتی که این مخارج مخارجی است که برای مقدسه کشیدن خط آهن است و معنی ندارد که از عوائد عمومی بدهیم. اگر عوائد عمومی اضافاتی دارد همینطور که آقای مخبر هم فرمودند مصارف و مخارج زیادی هم در مقابل دارد از قبیل تحصیل اجباری و تشکیلات صحی و توسعه امور قضائی و غیره (بعضی از نمایندگان - صحیح است) مثلاً اینجا آقای حائری زاده پیشنهاد کردند که مالیاتهای صنفی را الغاء کنند ممکن است اگر عوائد زیادی دارند از این مالیات صرف نظر کنند در این صورت اگر بنا باشد ما این را در بودجه مملکتی بگنجانیم پس از کجا میتوان کارهای اساسی و لازم تر دیگری را انجام بدهیم و مردم را از این بدبختی نجات دهیم؟! بنابراین هیچ لازم نیست که مازاد آن عوائد را خرج خط آهن نمائیم و باید خرج کارهای مربوط بخودش که نهایت لزوم را دارد بشود.

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟

مخبر - واگذار بنظر مجلس میکنم.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد

آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیهمی.

(به شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده چهارم بترتیب ذیل اصلاح شود...

دو سه نفر از نمایندگان - ماده چهارم مطرح نیست.

رئیس - عجله داشته اند بجای سوم چهارم نوشته اند.

(مجدداً بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده سوم بترتیب ذیل اصلاح شود.

لفظ (حقوق) از اول ماده حذف و اعتبار بمبلغ نود هزار

تومان قید شود.

رئیس - بفرمائید.

فیهمی - ایراداتی که آقایان شریعت زاده و عراقی فرمودند توضیحات کافی در آن باب داده نشد زیرا اینجا فقط صد و پنجاه هزار تومان اعتبار داده شده در صورتی که این مبلغ کافی برای حقوق مستخدمین نیست تا چه رسد بسایر مخارج، در واقع سالی

وسایر چیزها اینها را عیبی ندارد از این پول قرار بدهیم اما آن چیزی که مدخلیت فوق العاده ندارد مناسبت ندارد اینجا قرار دهیم و این پیشنهاد را اگر مجلس تصویب کند بسیار خوب است و اگر هم تصویب نکرد اهمیتی ندارد زیرا بنده خواستم این عرایض اینجا گفته شود که دولت بداند مجلس این طور مواظب است که یک شاهی از پول قند و چای بغیر از مصرف راه آهن بهیچ مصرفی نرسد. رئیس - آقای بیات. (اجازه)

مرتضی قلی خان بیات - اینکه آقای آقا سید یعقوب اظهار داشتند ما نظرم آن این است که به این پول دست نخورد البته همین طور است ولی نظرم آن هم این نیست که مردم را از استفاده از این پول محروم کنیم هیچوقت مجلس این نظریه را ندارد بلکه میخواهیم این پول را جمع بکنیم ولی مردم هم از آن استفاده بکنند. شما میخواهید راه آهن احداث کنید. البته این قسمت وسائلی لازم دارد و یکی از وسائل راه آهن هم مسئله نفت و ذغال سنگ و سایر چیزهایی است که برای راه انداختن آن لازم است. مثلاً اگر در جاهایی که میخواهید خط آهن بکشید معین نکنید که اینجا ذغال سنگ یا نفت هست آن وقت دیگر نمی شود از طهران ذغال سنگ حمل کرد نه سرحد که ماشین را حرکت بدهند. پس اینها تسهیلاتی است که برای احداث راه آهن لازم و واجب است حالا اگر بخواهند این پول قند و چای را مصرف کار دیگری بکنند البته آقای آقا سید یعقوب حق دارند بفرمایند ما رأی نمیدهیم بجهت اینکه این پول را مخصوص راه آهن قرار داده ایم ولی در صورتی که برای راه آهن و برای تهیه وسائلی که مربوط به راه آهن است میخواهند خرج شود دیگر گمان نمیکنم اشکالی داشته باشد اما راجع بصرفه جوئی که فرمودند بنده عرض نکردم صرفه جوئی وجوه انحصاری قند و چای و صرفه جوئیهای مملکتی هر دو یکی است بلکه برعکس عرض کردم آن یک صورتی دارد علیحده و این یک حساسی دارد جداگانه و آنچه از حساب این پول مخارج باید بشود مجلس قلم بقام تصویب میکند. و البته نه دولت حق دارد اضافه خرج بکند و نه گذاشته میشود خرج شود.

مخبر - عرض کنم - این نکته را هم بنده میخواستم اضافه کنم بفرمایشات آقای بیات همانطور که مجلس متعین است اطراف این پول حصار آرائی کشیده شود همان اندازه هم تصور میکنم مقید باشد که این پولها در یک محلی طلسم نشود و همین نکته هم هست که آقای آقا سید یعقوب را وادار میکند که اول دستور پیشنهاد می کنند و حاضر میشوند این لایحه را زودتر بمجلس بیاورند و بگذارند که بالنسبه این پولهای طلسم شده خرج راه آهن ایران بشود و اگر هم نفت لازم داریم استخراج کنیم و نفت این مملکت که شش سال است بر اثر یک سیاستی طلسم شده لااقل این یکی مثل آن نشود. این نکته در نظر بوده است و تصور میکنم همانطور که آقای بیات اظهار فرمودند فرقی نمی کند و مثل این است که شما دو جیب داشته باشید و توی دو جیبتان پول داشته باشید. یک قدری از این جیب خرج کنید قدری هم از آن جیب. بالاخره از جیب شما بیرون آمده است. هر دو یکی است. مال

خودتان است. حسابش هم یکی است. و همانطور که معتقد هستید آن حصار هم دورش هست و طلسم آن هم شکسته نمی شود. رئیس - رأی میگیریم بقبایل توجه بودن آقا سید یعقوب - بنده نظرم تذکر مجلس بود بحفظ این مسئله. این است که استرداد میکنم. رئیس - پیشنهاد آقای باسداد.

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که لااقل مبلغ شصت هزار تومان از حقوق متخصمین از محل اعتبار مخارج قند و شکر پرداخته شود. رئیس - آقای باسداد (اجازه)

باسداد - عرض کنم که صد هشت اعتبار داده شده است برای مخارج وصول عایدات قند و شکر در صورتی که صد و صدی سه هم خرج ندارد چون در گمرک گرفته میشود و بقیه اش میماند. در کمیسیون بودجه هم صحبت شد که تمام حدود پنجاه هزار تومان را از همین محل بدهیم که باصل وجوه قند و شکر دست نخورد. دکتر اساساً قبول کرد که این همه مخارج ندارد ولی ما بنابر این من قبول میکنم از همین محل شصت هزار تومان حقوق متخصمین پرداخته شود. بنابر این بنده پیشنهاد کردم که آن قسمت را که خود او قبول کرده با پای آن مخارج بگذاریم که از اصل پول خرج نشود. اما اینکه آقای بیات فرمودند چه فرق میکند این بودجه دولتی است و با صرفه جوئی سایر عوائد یکی است و بالاخره یکجا صرف خواهد شد، این طور نیست بنده در خارج هم باز شنیده ام که از مازاد همین محل یک خرجهای دیگری هم میشود. بنابر این ما هر قدر بتوانیم از آن وجوه اخذ کنیم که باصل وجوه قند و شکر دست نخورد بهتر است. نظر بنده و آقا سید یعقوب و خطیبی هم همین بوده است.

رئیس - تصور میکنم نظریه آقایان مبتنی بر تأمین عوائد قند و چای و شکر است و هم چنین صرفه جوئیهایی که از بابت مخارجش میشود ولی این نکته را از نظر نباید دور داشت که اگر یک صرفه جوئیهایی از بابت مخارج وصول عوائد قند و چای و شکر حاصل میشود صرفه جوئیهای عمومی نیست و جزو خودش است بنابر این این عبارتی که در اینجا نوشته شده است از محل وجوه انحصار گمان میکنم مقصود را تأمین کند (بعضی از نمایندگان صحیح است) مع ذلک ممکن است رأی بگیریم. آقای مخبر؟

مخبر - برای مجلس واگذار میکنم.

رئیس - رأی میگیریم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد. آقایانی که موافقت قیام بفرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. عده برای رأی کافی نبود بنابراین باید ثانیاً رأی گرفته شود.

(پس از چند ثانیه یک نفر از نمایندگان وارد شد)

رئیس - در موقع رأی گرفتن یک نفر کسر بوده. ثانیاً رأی میگیریم بقبایل توجه بودن پیشنهاد آقای باسداد آقایانی که قابل

توجه میداند قیام فرمایند.

(عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی گرفته میشود باصل ماده سوم آقایانی که موافقت قیام بفرمایند. (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. اگر موافقت چند دقیقه تنفس داده شود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید.)

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود.

(شرح آتی قرائت شد)

ماده چهارم - حداکثر حقوق سالیانه متخصمین موزور نباید از شصت هزار تومان تجاوز نماید.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده این ماده را با مواد فوق متضاد می بینم. اینجا یک اعتبار کلی گرفته شد صد و پنجاه هزار تومان که در ماده سوم ذکر شده است یک ماده دیگر گذشته است که ماده دوم است و در آنجا مینویسد که مدت استخدام متخصمین نباید بیش از سه سال باشد و مواقع در تحت این الفاظ معین میکنند که مدت هم باید سه سال باشد آنوقت اینجا معین میکنند سالیانه حقوق نباید از شصت هزار تومان تجاوز کند و سه سال میشود صد و هشتاد هزار تومان در صورتی که اعتبار برای تمام آن مدت و مخارج صد و پنجاه هزار تومان است و عقیده بنده این است که این ماده بطور کلی اینجا زائد است و هیچ ضرورت ندارد. یک اجازه برای استخدام اشخاص داده شده است. یک اعتباری هم داده شده است و در تحت این اجازه دولت داخل میشود در تعیین اشخاص و استخدام آنها آنوقت هر طوری که بآنها قرارداد کنترانشان را بمجلس پیشنهاد میکند و مطابق کنترانهای دیگر تصویب میشود دیگران اشکال ندارد و بنده لفظ شصت هزار تومان را در اینجا بضرر میدانم زیرا بمجرد اینکه این ماده گذشت دولت در مشکلات واقع میشود و میگویند حتماً باید حقوق در این حدود معین شود.

مخبر - این نکته را البته خود آقای ارباب تصدیق میفرمایند که حتی الامکان در اجرای این مقصود باید در وقت صرفه جوئی کنیم و تا ممکن است عجله کنیم. این طور که میفرمایند در کمیسیون هم مذاکره شد نه اینکه این نکاتی که اینجا بطور بدوی بنظر آقایان میرسد در کمیسیون مجادله نشده باشد. حتی خود بنده از اشخاصی بودم که این نکته را تذکر دادم ولی دوجواب قانع کننده بجا دادند. یکی اینکه اساساً مخارج راه آهن ایران یک مخارج سالیانه نیست که مثل بودجه مملکتی بطور سالیانه پیش بینی شود که تا سال دیگر نتوانیم یک اعتبارات جدیدی بدهیم بلکه تا آن پول آخری هم که میخواهیم خرج کنیم بطور اعتبار باید بدولت اجازه دهیم دولت صد و پنجاه هزار تومان امروز اعتبار نیگیرد برای مواجب دادن و خرید ادوات و لوازم و تصور میکنم دوسه ماه دیگر باز احتیاج

پیدا خواهد کرد برای مستخدمین نقشه کشی و برای سایر مخارج مربوطه راه آهن و بالاخره بعد از شش ماه یا یکسال دیگر احتیاج پیدا میکنند که بیایند اینجا یک میلیون دیگر اعتبار بگیرند و چون باید در آن وقت شروع کنند بخردن ریل و کشیدن خط آهن و معادن شما را کشف کنند و لکوسوتیو بخرند و عملیات آنها را بکار بیندازند و تا شش هفت ماه یکسال دیگر ما میخواهیم شروع کنیم. پس صد و پنجاه هزار تومان را برای مدت سه سال اعتبار نمیدهیم که بگوئیم پولمان در وسط کار کم میآید. امروز مجلس و مملکت و دولت بیش از این احتیاج پیدا نکرده اند شاید شش ماه دیگر باز محتاج باعتبار شوند چون شما در قانون اولی که گذرانیدید شده است که هر وقت دولت بخواهد برای مخارج راه آهن پول بگیرد باید اعتبارش را از مجلس شورای ملی بگیرد شما شش ماه یکسال دیگر باز ممکن است اعتبارات زیادتر یک کروری و دو کروری بدولت بدهید و ماده چهارم هم برای سرعت عمل است. اینکه میفرمایید ممکن است بروند و مذاکره کنند و بعد مجدداً بیایند بمجلس و در اینجا تصویب شود این را تصدیق میفرمایند که چهل روز پنجاه روز است این لایحه با کمال جدیتی که شما برای سرعت این کار دارید مراحل قانونی را در مجلس طی کرده است تا حالا بمرتبه تصویب رسیده است آنوقت فرض بفرمایید اگر دولت بدون اینکه مأخذی در دستش باشد برای تعیین حقوق و رفت بایکعده متخصمین در آمریکا مذاکراتی کرد و موافقتهایی هم حاصل شد مجدداً پنجاه شصت روز یعنی اقلاً دوماه دیگر وقت لازم دارد تا آنها مذاکراتشان را خاتمه بدهند بعد از این دوماه باز یک لایحه جدیدی بیاورند بمجلس. دوماه هم در مجلس معطل شود چه نتیجه خواهد داشت؟ شما الان همین مارتین را که آورده اید برای ذوب آهن الان بیکار است و مقدمه کارش استخدام آن دونفر است. قبلاً هم آنها را دیده مذاکره هم کرده اند. وقتی این لایحه را شما گذرانید فوراً احضار میشوند و کنترانشان هم در تحت یک حدود و مواد قانونی تهیه میشود و شروع بکار میکنند. حالا بخیال اینکه اینجا ظاهر عبارت ممکن است یک تناقضی داشته باشد چهار ماه کار باین مهمی را تأخیر بیندازیم تصور نمیکنم خود آقای ارباب هم موافقت بفرمایند با این موضوع، و تصور میکنم اشتباه سراین است که آقایان تصور فرموده اند که ما مأخذ اعتبار را در ماده چهارم معین کرده ایم در صورتی که اینطور نیست. اعتبار همان صد و پنجاه هزار تومان است فقط شما اینجا دولت را متذکر مینمائید که بیش از سالی شصت هزار تومان نمیتواند از بابت حقوق باین متخصمین بدهد، بنابراین هیچ تناقضی در کار نیست و موقعی که صد و پنجاه هزار تومان تمام شد و سال آتی شد دویست هزار تومان سیصد هزار تومان دیگر اعتبار میخواهند برای خرید آلات و ادوات لوکوسوتیو و غیره و شما هم دوبرتبه اعتبار میدید و صورت حساب مسلمی هم دارد که میآید بمجلس بنابراین بنده تصور نمیکنم اشکالی داشته باشد.

رئیس - آقای محمدولی میرزا. (اجازه)

محمدولی میرزا - بیانات آقای مخبر محترم مشکل بنده را

قدری بیشتر کرد، بطوریکه اظهار داشتند اینطور تصور میکنم که کفترات این مستخدمین قرار است بمجلس نیاید بعلمت اینکه در اینجا میزان حقوق را ما اجازه میدهم و قید میکنیم که مثلاً حداکثرش باید شصت هزار تومان باشد یعنی نباید از این مبلغ تجاوز کند ولی چون تجارب در اینقسمت داریم میتوانیم استنباط کنیم که همان شصت هزار تومان خواهد بود و از این مبلغ یک تومان هم کمتر نخواهد بود، بعد خبر کمیسیون خارجه هم که راجع به تابعیت این اشخاص است آنرا هم مجلس تصدیق خواهد کرد چنانچه خبرش هم هست مدت استخدامش هم سه سال است و فروعات کفترات هم مطابق یک قانون علیحده که مجلس نوشته است با خود وزارت فوائد عامه خواهد بود که بپندد پس در واقع اینطوریکه استنباط میشود برای استخدام مستخدمین که در اینجا ذکر میشود یک لایحه مستقل و مستقیمی در آتیه بمجلس نخواهد آمد بعلاوه اگر وارد شویم در همین حداکثر در موضوع شصت هزار تومان بالاخره بنظر بنده حقوقی که با این حضرات مذاکره میشود و قطع خواهد شد همین شصت هزار تومان خواهد بود چون ممکن است یک سؤال وجوابی بشود و بالاخره بگویند شما کمتر پیشنهاد کردیم آنها قبول نکردند و چون مجلس هم در اینجا دست دولت را باز گذاشته است بالاخره در حدود همان شصت هزار تومان کفترات بسته خواهد شد، بنده قائل هستم که این شصت هزار تومان زیاد است زیرا آن دو مستخدم که یکی برای معرفه الارض و دیگری برای تجزیه سواد معدنی از آلمان استخدام خواهند شد این مسأله مکرر در مجلس شورای ملی بحث شده است که نباید پایه حقوق مستخدمین خارجه را بحدی رساند که واقعاً در آتیه از نقطه نظر بودجه ما قادر نباشیم مستخدمینی استخدام کنیم، چون کار بجائی میرسد و بایه بحدی گذاشته میشود که سافوق امیدهمان مستخدمینی است که ما امروز آنها را برای خودمان لازم میدانیم. مکرر در اینجا بحث شده است و مخصوصاً بنده در نظر دارم در آخر دوره پنجم که موضوع استخدام مستخدمین برای ذوب آهن بود گفته شد از آلمان مستخدمین بیاوریم برای اینکه آنها بحقوق کمتر قانع میشوند. حالا بنده نمیدانم این مبلغ را چطور تقسیم خواهند کرد البته استخدام آمریکائی گران تمام میشود. یکنفر مستخدم آمریکائی برای نفت اگر بخواهیم بیاوریم فرضاً در حدود بیست هزار تومان بآلمانیها هم اگر هر کدام هشت هزار تومان بدهیم این میشود سی و شش هزار تومان دیگر شصت هزار تومان برای چه؟ بیشتر از هیجده هزار تومان اگر میخواهید بیک نفر مستخدم عمل نقط بدهید خیلی زیاد است، بنده خوب خاطر میاید یکی از نمایندگان محترم که همیشه باین قسمتها مخالفت میفرمودند یکی از اعضای کمیسیون بودجه حاضر آقای آقاسید یعقوب بودند و حالا چون در کمیسیون بودجه تشریف دارند هیچ نمی بینم یک مخالفتی در اینخصوص بفرمایند، همچنین آقای مخبر، همیشه در این قسمتها یک کشمکشهای بزرگی در مجلس انجام میشد لهذا خوبست آقای مخبر بفرمایند که کفترات این مستخدمین جداگانه بمجلس خواهد آمد یا خیر؟ و

بتوانیم یک قدمهایی برای این مسائل برداریم آمدیم این رأی را دادیم و این عقیده را پیدا کردیم، بنابراین گمان میکنم تضاد نیست خواستم جواب از راه منطقی و دلیل عرض کرده باشم معذرت مخالف نیستم که این ساده نباشد لکن خواستم عرض کنم که ایراد شما ایرادی نیست که جواب منطقی نداشته باشد. باسنتی عرض کردم بالاخره اگر این ماده هم نباشد مقصود مایاری خدا حاصل میشود و زودتر تمام میشود.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کفایت.

رئیس — پیشنهاد آقای حائری زاده.

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده چهارم حذف شود.

رئیس — آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده — بنده مراجعه کردم به لایحه دولت دیدم همچو چیزی را دولت پیش بینی نکرده یک صد و پنجاه هزار تومان از مجلس اعتبار خواسته اند برای استخدام مستخدم و تهیه لوازم. بدیهی است مستخدمین مثل اینکه در طهران شما خواسته باشید مراجعه باطباء بکنید یک طبیب است که حق القادش زیاد است یکی دیگر کمتر است چون سراتب علمیه شان تفاوت داده حق القادشان هم کم و زیاد میشود، مستخدمین هم یعنی آن عالی که باید بیاید و معادن نفت و ذغال ما را تشخیص بدهد و تصدیق او در دنیا اعتبار داشته باشد ممکن است حقوق بیش از بیست هزار تومان هم بخواهد یا یک کسی که زیر دست او باشد که تجزیه کند کارها را ممکن است بیک حقوق خیلی کمتر هم قانع باشد، بنده هیچوقت طرفدار این نیستم که یک ابره قبا را پنج عدد قبا کنند کوچولو کوچولو که هیچ نشود در بر کنند، خیر باید یک ابره قبا را یک قبای صحیحی بکنند که انسان را از سرما و گرما حفظ کند. این صد و پنجاه هزار تومان را که دولت در اینجا اعتبار خواسته است باید داد، میزان اعتبار حقوق را هم به نظر دولت واگذار کرد، بنده با نظر آقای ارباب موافقم که وقتی ما اسم بدهیم بیست هزار تومان، هر کسی را بردند استخدام کنند تا کسش را بگیرد بیست هزار تومان است و از آن مبداء هیچ پائین تر نمایند. ما باید هیچ اسم نبریم و در بسته این صد و پنجاه هزار تومان را بدولت بدهیم برای مصارف مقدماتی راه آهن، بدیهی است هر مستخدمی را که استخدام میکنند دقت میکنند مخارج رفتن هم دارد، مخارج دیگر هم دارد و آن حق که در آنجا ارزش دارد یک ده دو هم برای اینکه از وطن خودش مهاجرت کرده و بیاید به مملکت ما اضافه منظور دارند و او را استخدام نمایند، بنده باین ماده چهارم که در کمیسیون زیاد شده مخالفم و تقاضا میکنم آقایان مساعدت بفرمایند حذف بشود.

مخبر — اولاً تصور میکنم نظر آقای ارباب این نبود که جناب عالی فرمودید، نظر آقای ارباب این بود که این ماده حذف شود و مجدداً یک پیشنهاد کفتراتی بیاید، حضرت والا هم موافق بودند و نتیجه اش این بود که چهار ماه دیگر ما این کار را بکنیم، بلی این ماده در کمیسیون اضافه شد و در کمیسیون هم از نقطه

نظر احتیاط این ماده گذاشته شد و خیال میکنم کمیسیون نظریه صحیحی در اینجا داشته است، کمیسیون دید دولت صد و پنجاه هزار تومان اعتبار خواسته است به عنوان حقوق و ادوات و ممکن است همانطور که فرمودند مستخدمین عالی مقام چون حقوقشان خیلی زیاد خواهد بود یک وقت جزو صورت حساب و تفریغ بودجه که برای شما میآورند صد و پنجاه هزار تومان تماسش مصرف حقوق شده باشد و تصور نمیکنم هیچیک از آقایان و کلاً با آن احتیاطهایی که دارند موافقت بفرمایند که دوسه نفر مهندس یک حقوق زیادی داشته باشند. در اینجا ما تحقیق کردیم و ساختن حداکثر را این درجه قرار دادیم چون مستخدم نفت آنهم از امریکا البته مستلزم حقوق کفایت و همانطور که آقای حائری زاده فرمودند نباید در اینجا زیاد اسماک کرد برای اینکه اگر حقیقتاً ما بخواهیم استفاده از یک مستخدم بکنیم گمان نمیکنم آنطوریکه حضرت والا فرمودند بیک مستخدم امریکائی که در مملکت خودش روزی پنجاه شصت هفتاد بلکه صد دلار حقوق بگیرد بیاید در مملکت ما و با بیست هزار تومان کار کند بعلاوه ما میخواهیم آن سندی را که مستخدم نفت بدست ما میدهد در تمام بازار دنیا بطور شهرت نشان بدهیم که فلان مستخدم عالی گفته است که ما نفت داریم ولی در عین حال نمیتوانیم بدولت اجازه بدهیم که هر قدر خودش میل دارد کفترات ببندد و قائل هم نبودیم که این ورقه که الان اینجا با خط جلی نوشته شده است کفترات، این ورقه چیز دیگر باشد که حضرت والا بشک افتاده اند که کفترات باشد. همین ورقه کفترات است و کفترات سه نفر هم هست. برای مدت هم حداکثر معین کرده است. برای حقوق هم حداکثر معین کرده است. ملیت را هم معین کرده و همه چیزش معلوم شده و فقط جای اسم مستخدمین خالی است که آن را بعد باید مذاکره نمایند و بنویسند و مابدولت هم حق میدهم که آن اشخاص را بنظر خودش معین نماید. باقی دیگرش را هم از روی قوانینی که مجلس تصویب کرده و سابقه هم دارد معین میکنند. بنابراین تصور نمیکنم آقای حائری زاده برای حذف این ماده بتوانند آن اندازه صرفه تصور کنند.

رئیس — رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای حائری زاده میگذارد که قابل توجه میدانند قیام بفرمایند.

(عده قیام نمودند)

مخبر — سرود به کمیسیون؟

رئیس — قابل توجه بودن رأی قطعی که نمیگیریم در پیشنهاد. قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای ملک مدنی و آقای محمدولی میرزا.

(به شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده چهارم به این طریق اصلاح شود:

ماده ۴ — حداکثر حقوق سالیانه این سه نفر مستخدم در

سال بیشتر از چهل هزار تومان نباشد. (ملک مدنی)

در ماده چهارم پیشنهاد منبایم حداکثر حقوق سالیانه

مستخدمین مزبور نباید از چهل هزار تومان تجاوز نماید. (محمدولی)

رئیس — آقای ملک (اجازه)

هاشم آقا ملک مدنی — بنده در کمیسیون با این ماده چهارم

مخالف بودم. آنجا آقای معاون وزارت فوائد عامه توضیح دادند که بیست هزار تومان از این شصت هزار تومان برای آن دو نفر متخصص آلمانی است و چهل هزار تومان هم برای متخصص نفت است که از امریکا باید استخدام شوند بنده خیال میکنم بیست هزار تومان برای آن امریکائی کافی است. اگر ما قدری میزان اعتبارات دولت را کمتر کنیم نظر به تجربیاتی که داریم برای اینکه صرفه جوئی بشود بعقیده بنده بهتر است این است که پیشنهاد کردم حقوق سه نفر را چهل هزار تومان قرار دهند.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - همان طور که خود آقای ملک مدنی توضیح دادند در کمیسیون بودجه این طور مذاکره شد این شصت هزار تومان نفری ده دوازده هزار تومان به آلمانها داده شود و در حدود چهل هزار تومان به متخصص نفت و توضیحاتی که دادند عبارت از این بود که متخصص نفتی که تصدیق او یک رسمیت و اعتبار و قیمتی در دنیا داشته باشد باید شخص عالی مقامی باشد و به این حقوق کم نمیاید درین صورت ما ناگزیر هستیم حقوق بیشتری بدهیم تا متخصص مهمی که حرفش در دنیا اعتبار داشته باشد در مملکت ما بیاید درین صورت به نظر بنده این مبلغ زیاد نیست و این صرفه جوئی اینجا مورد ندارد. این برای مملکت مفید است که با تصویب او ما کروزها برای خودمان قیمت قائل شویم.

رئیس - آقای مخبر؟

مخبر - بسته به نظر مجلس است.

رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که موافقت قیام بفرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فهیمی گویا مورد نداشته باشد.

فهیمی - بنده یک قسمت اصلاحی پیشنهاد کرده ام.

رئیس - آن قسمت بطریق اولی مورد نخواهد داشت.

(پیشنهاد مزبور به شرح آتی قرائت شد)

ماده چهارم بطریق ذیل نوشته شود.

ماده چهارم - حداکثر حقوق سالیانه متخصص مزبور نباید از چهل هزار تومان تجاوز نماید و در هر صورت کتورات آنها باید به تصویب مجلس برسد. (فهیمی)

رئیس - قسمت ثانی اگر مقصود اصل کتورات است که در قانون اساسی تصریح دارد بدون تصویب مجلس دولت نمیتواند کتوراتی منعقد نماید و اگر غیر از آنست که همین لایحه که مطرح است کتورات است پیشنهاد آقای فیروزآبادی و همچنین شاهزاده محمدولی میرزا که پنج هزار تومان علاوه شده است.

(به شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که حقوق متخصصین سالیانه زیاد از چهل و پنج هزار تومان نباشد. (فیروزآبادی)

بنده پیشنهاد میکنم چهل و پنج هزار تومان باشد. (محمدولی)

رئیس - آقای فیروزآبادی. (اجازه)

(گفتند خیر)

رئیس - رأی میگیریم بماده پنج آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه پیشنهادی آقای دکتر مصدق.

(به شرح ذیل قرائت شد)

این بنده ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد مینمایم.

ماده الحاقیه - در کلیه کتوراتهایی که دولت با مستخدمین اتباع خارجه مینماید مجاز نیست که هیچگونه اختیاراتی بدون تصویب مجلس برای آنها قید نماید.

دکتر مصدق - از دوره پنجم اینطور مرسوم شده است که دولتها یک مستخدمینی به این ترتیب از مجلس قانونش را بگذرانند و بعد در کتورات آنها (بطوریکه بنده در عمل می بینم) یک اختیاراتی قائل میشوند. در ۲۳ عرق ۱۳۰۱ قانونی وضع شد که چهار شرط را مجلس لازم میداند که تصویب کند. اول ملیت مستخدم. دوم مدت استخدام. سوم سمت مستخدم. چهارم حقوق سالیانه. و بعد در ماده یک طوری ذکر میکند که باید در قرارداد مستخدمین ذکر شود. از آن جمله تخلف از قوانین مملکتی و نظامات اداریست. بنده مطلع شدم برای یکی از مستخدمین خارجه که قانون بیستم بهمن ماه ۱۳۰۴ اجازه داده است و در این ایام کتورات میشود اولاً ماده دوم قانون سابق الذکر را که راجع به اطاعت آنها از قوانین مملکتی و نظامات اداریست رعایت نکرده اند به این ترتیب که قوانین مملکتی را نوشته اند ولی نظامات داخلی را اسم نبرده اند و مستخدمین گفته بودند اگر شما نظامات داخلی را بنویسید ما نمیتوانیم قبول کنیم مثلاً فرض بفرمایید در نظامنامه یک مطلبی هست مثل دفتر حاضر و غایب در اداره مالیه اگر مستخدم اروپائی بطور صحیح آن را رفتار نکند شاید از کار منفصل شود یا کتوراتش لغو شود بنابراین ما نمیتوانیم نظامات اداری را قبول کنیم. این قرارداد نگذشته بود و در مذاکره بود بنده چند روز قبل به آقای وزیر فوائد عامه عرض کردم که شما اولایچه مناسبت قانون را اجرا نکردید و این مسئله نظامات اداری را در کتورات ذکر نکردید این یک قسمت خلاف قانون. مسأله دوم یک اختیاراتی برای مستخدم در قرارداد قائل شده اند که بنده کاملاً با آنها مخالف هستم برای اینکه وقتی که یک مستخدمی میاید اگر مجلس به او اختیاراتی میدهد البته حکومت ملی است و مختار است ولی مجلس نمیتواند بدولت اختیار بدهد که در قرارداد مستخدمین یک اختیاراتی به آنها بدهند که بکلی وزارتخانه را بدست آنها بپسارند و خود وزیر را هم بکلی خلع کنند. بنده با این هم مخالفم و معتقدم که هر مستخدم خارجی که به این مملکت میاید بموجب همان ماده دوم (شرائط استخدام مستخدمین خارجی) باید تابع قوانین مملکتی باشد (نمایندگان - صحیح است)

و باید تابع نظامات اداری و داخلی باشد اگر یک نظامات اداری هست که واقعاً درباره ایرانیها اجراء میشود هیچ دلیلی ندارد که یک اختیاری بخارجی ها بدهیم که اینها تابع یک نظاماتی نباشند

حتماً چهل هزار تومان باشد که شما اینطور حرارت فرمودید. ما گفتیم حداکثر. حداکثر و حداقل معنایش در زبان ما خیلی تفاوت دارد!! ما نگفتیم که حتماً چهل هزار تومان میدهیم به مستخدم امریکائی و دو تائی دیگر را هم ده هزار تومان خیر. ما شصت هزار تومان حداکثر این حقوق را در نظر گرفتیم اگر توانستیم که یک نفر متخصص نفت از امریکا بیاوریم با شش هزار تومان. و دو تائی دیگر هم از آلمان بیاوریم یکی سه هزار تومان که روی هم رفته دوازده هزار تومان شود البته خواهیم آورد، بقیه اش هم در صرفه جوئی ضبط میشود. اما ممکن است حضرت والا یک پیشنهاد دیگری بفرمایند چهل و شش هزار تومان بعد هم چهل و هفت هزار تومان و چند ساعت وقت مجلس را بگیرند و شاید لایحه هم برگردد به کمیسیون و چند روزی طول بکشد پس بهتر اینست موافقت بفرمایند زودتر بگذرد.

رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای محمدولی میرزا آقایان موافقین قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - به یک رأی هم قابل توجه نشد چون خودشان هم رأی ندادند. پیشنهاد دیگر آقای محمدولی میرزا موردش گذشته است قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم متخصص نفت از سلا ندیاید. (محمدولی)

رئیس - این مربوط به ماده اول است. در ماده چهارم جایش نیست. رأی گرفته میشود بماده چهارم آقایان موافقین قیام فرمایند.

(متجاوز از سی نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. ماده پنجم.

(به شرح ذیل قرائت شد)

ماده پنجم - وزارت فلاحت و تجارت و فوائد عامه و وزارت مالیه هر یک در حدود اختیارات خود مأمور اجرای این قانون خواهند بود.

رئیس - آقای دادگر. (اجازه)

دادگر - عرض میکنم. ماده چهار را آقایان رأی ندادند و تصویب نشد در صورتی که بنده خیال میکنم که ماده انتهائی وقتی جائز است که قانون کامل باشد. برای اینکه در اینجا یک قسمتهائی دارد که این ماده متمم آن است. بنده میخواستم پیشنهاد کنم که این قضیه برگردد به کمیسیون و بجای این ماده، یک عوض پیشنهاد شود و بعقیده بنده حذفش مضر است زیرا قانون کامل نخواهد شد.

مخبر - بنده خیال میکنم مانعی نداشته باشد زیرا دولت حالا دستش بازتر است و میتواند کمتر بکند یا زیادتر بکند.

رئیس - آقای بیات. (اجازه)

بیات - موافقم.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - موافقم.

رئیس - مخالفی ندارد.

و ایرانیها باشند و اگر نظاماتی هست که غیرقابل قبول است بنده معتقدم که باید برای ایرانی هم غیرقابل قبول باشد. بنده هیچ امتیازی برای خارجیها نمیتوانم در این مملکت معتقد شوم. آنها باید تابع قوانین و نظامات داخلی ما باشند و برای دولت هم بنده نمیتوانم قائل شوم که در قرارداد مستخدمین خارجی یک اختیاراتی به آنها بدهند. ما مستخدمین خارجی را که استخدام میکنیم باید کاملاً تابع قوانین مملکت باشند مثل ما که تابع هستیم. اگر به مستخدمین خارجی باید یک اختیاری داده شود که برخلاف قوانین مملکتی و برخلاف نظامات اداری باشد باید حکومت ملی این اختیار را بدهد و بنده تصور نمیکم به هیچ وزیر هیچ دولتی همچو اختیاراتی داده شود. اگر این اصل در مملکت ما برقرار شود خواهید دید که عنقریب تمام حکومت ملی در دست مستخدمین خارجی سی افند بجهت اینکه وقتی یک قراردادی را به این ترتیب بیاورند و از مجلس بگذرانند بعد یک وزیری را که هیچ معتقد به شرافت ملی نیست حاضر میکنند برای اینکه اختیاراتی از او بگیرند و بعد از اینکه اختیارات از او گرفتند یک قراردادی منعقد میکنند و آن قرارداد هم امضاء دولت است و امضاء دولت هم البته باید محترم باشد بنابراین بنده کاملاً مخالف هستم که همچو حق را بوزراء بدهند که یک وزیری حق داشته باشد نسبت به مستخدمین خارجی قائل با اختیاراتی باشد و بهر مستخدم خارجی که برخلاف نظامات اختیاراتی باو باید داده شود حکومت این مسئله بدون استثناء با مجلس شورای ملی است که حکومت ملی است نه با وزراء. این است که بنده این ماده را پیشنهاد میکنم که در همین مسئله و در تمام قراردادهائی که در این مملکت برای مستخدمین خارجی نوشته میشود آن چهار شرط باید قید شود و همیشه مقید که آنها اختیاراتی ندارند و در این قراردادی هم که الان در شرف گذشتن است و هنوز نگذشته است بنده تذکر میدهم بدولت که نباید هیچ اختیاری بدهد.

مخبر - پیشنهاد آقای دکتر مصدق یک پیشنهاد بسیار خوب و مفیدی است که بعقیده بنده یک قدری مخلوط با احساسات نوشته شده والا این پیشنهاد را اگر یک قدری اصلاح میفرمودند البته این یک موضوع صحیحی است که بایستی رعایت شود و اگر ما بیائیم در این قانون که راجع به نفر مستخدم است راجع به جمیع مستخدمین خارجی یک موضوعی را بنویسیم تناسبی ندارد. آنها هم مرقوم فرموده اند که هیچگونه اختیاراتی داده نشود. بالاخره وقتی که ما تصریح کردیم هیچگونه اختیاراتی ندارد معنایش این میشود که مستخدمی را که برای کشف منابع نفت میآوریم حق ندارد برود در فلان نقطه که سوءظن دارد نفت هست (خنده نمایندگان) یعنی جائیکه گمان میکنند نفت هست یک عملیاتی بکنند. پس بنده از ایشان سؤال میکنم که برای چه او را استخدام میکنید؟ ولی اگر پیشنهادشان را اصلاح بفرمایند و این مسئله را تذکر بدهند (چون بنده معمولاً در کنترلهای دیگر هم دیده ام اشاره باین قانون شده است) اگر یک پیشنهادی بفرمایند که دولت

مکلف است مواد قانون مصوبه عرق ۱۳۰۱ را در مورد این مستخدمین رعایت بکند یعنی آنها تابع مقررات و اختیاراتی باشند که مجلس میدهد به مستشارها بنده قبول میکنم والا اگر باشد که ما تصویب کنیم هیچ اختیاراتی ندارد بنده تصور میکنم در عمل دچار اشکال خواهد شد.

دکتر مصدق - بنده توضیحی دارم.

رئیس - مطابق نظامنامه نمی شود دوسریه توضیح داد.

دکتر مصدق - چون عرایض بنده را ترتیبی فرمودند که سوء تفاهم شده است.

رئیس - بفرمائید.

دکتر مصدق - بنده مقصودم این نبود مستخدمی را که اجیر میکنند عقب کار نرود یک وقت هست که در قرارداد مستخدم اختیاراتی قائل می شوند. که البته اخیراً قائل شده اند و اختیارات را بکلی از وزیر گرفته اند. وقتی که در قرارداد اختیاراتی قائل میشوند قرارداد عقد است و دولت ملزم است مطابق قرارداد رفتار کند ولی وقتی که مستخدم آمد برای یک کاری بموجب حکم وزیر هر کاری را میتواند بکند اگر مستخدمی را برای نفت آوردند باید وزیر هر حکمی که به او میدهد مطابق حکم وزیر عمل بکند غرض بنده این بود که یک اختیاراتی در قرارداد به او ندهند. نه اینکه مستخدم را وقتی آوردید او را بکار نیندازید و استفاده که میخواهید از او نکنید.

مخبر - این بیشتر به مشکلی مسأله افزود ما قانون بنویسیم برای وزیر که مخالف قانون رفتار نکند؟ وزیری که مخالف قانون رفتار کرد باید شما او را بیاورید و استیضاحش کنید. قوانین موضوعه ما اجازه نمی دهد که یک نفر وزیر یک اختیاراتی به یک نفر مستخدم بدون تصویب مجلس شورای ملی بدهد و اگر وزیری اینکار را کرد بایستی او را آورد اینجا و استیضاحش کرد آنوقت بنده هم با حضرتعالی موافقت میکنم و رقه استیضاح را امضاء میکنم ولی حق مجلس را در ضمن یک ماده قانون بنده تصور میکنم که ما نتوانیم سبذل کنیم.

رئیس - بنده اصولاً تردید دارم که آیا در این کنترات خاص این ماده عمومی را میشود وارد کرد یا نه؟ علی ای حال رأی میگیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر از طرف آقای دکتر محمدخان مصدق و جمعی از آقایان.

(به شرح ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه ذیل را بنده پیشنهاد میکنم.

ماده الحاقیه - قانون مورخ نهم خرداد ۱۳۰۴ انحصار دولتی قند و چای بقوت خود باقی است دکتر مصدق. جهانشاهی.

مقدم. اسکندری. ثقة الاسلامی. فرش. معظی.

رئیس - آقای دکتر مصدق. (اجازه)

دکتر مصدق - در ماده نه قانون انحصار قند و چای مقید

پیش سیاید آنوقت یک رویه را که اختیار کرده ایم و یک قانونی گذرانده ایم بیائیم این فکر را مخلوط کنیم با آن رویه که اول اختیار کرده ایم که به بینیم چه ارزش بیرون سیاید؟ البته در درجه اول مملکت ایران محتاج به راه آهن است زیرا وقتی راه کشیدند استخراج معدن خیلی زیاد میشود. و ممکن است خود سرمایه داران داخلی یا خارجی مبادرت بکنند به استخراج معادن ولی در صورتی که راه آهن نباشد آنطوریکه بنده اطلاع دارم استخراج معادن چندان منفعتی ندارد و اینکه تا به حال استخراج معدن در مملکت ما نشده است بواسطه نبودن خط آهن و وسائل حمل و نقل است. در ایران معادن خیلی هست از جمله معدن مس که از همه کمتر خرج دارد. شاید با یکی دو سیون مثلاً استخراج شود البته مخارج استخراج معدن خیلی زیاد است. در اینجا مخصوصاً آئینده متوجه میکنم نظر آقایان را که پول راه آهن را اگر حبس نماییم (حالا بعضی از آقایان معتقدند که حبسش خوب کاری نیست) ولی بنده تصور میکنم که حبسش بهتر است از اینکه ما این پول را بدهیم به مستخدمین خارجی که بردارند ببرند در مملکتشان البته وقتی این پولها در یکجا حبس شد و سرکزیت پیدا کرد خود این حبس بما فشار میآورد که زودتر راه آهن بکشیم و بالاخره راجع به استخراج آهن و ریل سازی اینجا بنده یک نظری دارم که به عرض آقایان میرسانم که ما اگر بخواهیم ریل بسازیم با آهن تنها نمی شود و باید جنبه فولادی هم داشته باشد چون این آهن خالص نیست. آنوقت ما باید معدن مس در نزدیکی آن معدن استخراج کنیم قلع لازم داریم مخصوصاً سرب لازم داریم آنوقت ما باید دوسه معدن استخراج کنیم تا موفق شویم که ریل بسازیم آنوقت ریل هم اگر ساختیم متخصص شیمیائی و میکائلیک لازم دارد و مبلغ مهمی خرج دارد بالاخره یک سرمایه خیلی مهمی میخواهد تا اینکه بتواند ریل بسازد و این کارخانه ریل سازی بطوریکه بنده اطلاع دارم قریب پانزده میلیون شانزده میلیون و بالاخره کمتر از ده میلیون خرج ندارد حالا بفرماید که درست کنند ما هزار فرسخ ریل که بیشتر لازم نداریم آنوقت بقیه اش را به کی میفرشوید؟ و بالاخره با این پنج میلیون ما نمیتوانیم سالی فلان مقدار خط آهن بکشیم و خرید ریل هم چندان خرجی ندارد و خرج راه آهن یک مبلغ زیادیش خرج عمده و کوبیدن زمین میشود زیرا اگر صد هزار تومان خرج کنیم پنجاه شصت هزار تومان آن خرج کوبیدن زمین و تسطیح آن میشود و یک مبلغ جزئی آن خرج خرید ریل میشود. پس برای صد بیست از مخارج ما نباید یک مقدمات مفصلی بچینیم خوب راه آهن آهن میخواهد؟ معدن استخراج میکنیم! ریل میسازیم! تجاری هم لازم دارد بعد کارخانه نجاری باید درست کنیم بعد سیمان لازم داریم باید کارخانه سیمان پزی درست کنیم بعد این آهنی که رویش می نشینیم چرم هم لازم دارد پس یک کارخانه چرم سازی هم باید درست کنیم اینها را اگر ما بخواهیم درست کنیم معلوم است یک مخارج فوق العاده دارد و دولت موفق نمیشود. تلگراف بی سیم برای ما شاهد بزرگست ما هنوز تلگراف بی سیم را نتوانسته ایم در مملکت راه بیندازیم. در سالک دیگر که

است که عایدات قند و چای بهیچ مصرفی بغیر از مصرف راه آهن نمیرسد و بهیچوجه استثناء نمیکند. و ما چون این خرج را در اینجا تصویب کردیم شاید تصور شود که این قانون مخالف با آن قانون است و وقتی که یک قانونی وضع میشود که مطابقت با قانون گذشته نداشته باشد یا بایستی قانون گذشته را نسخ نمود و یا در قانون ثانوی بالصراحه تذکر شد که قانون سابق بقوت خود باقی است این بود که بنده این پیشنهاد را کردم که سوء تفاهم نشود.

رئیس - آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - احتیاطاتی که آقای دکتر مصدق میفرمایند بنظر بنده موردی ندارد زیرا که قانون راجع بمصارف و عوائد قند و چای به قوت خود باقی است و این مبلغ برای همان کار بمصرف میرسد. دکتر محمدخان مصدق - در صورتی که سوء تفاهم نشود پس میگیرم.

رئیس - پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب خیال میکنم موردی نداشته باشد. معذک قرائت میشود.

(به شرح ذیل خوانده شد)

مقام محترم ریاست. ماده الحاقیه - متخصص مذکور مسؤول وزارت فواید عامه خواهد بود.

رئیس - بعد از تصویب ماده پنج که دو وزارتخانه را مسؤول کرده که هر کدام در حدود اختیارات خودشان این قانون را اجرا نمایند دیگر نمیدانم این پیشنهاد چه صورتی دارد؟ بفرمائید توضیح بدهید.

آقاسید یعقوب - بنده نظرم این بود که اینها مسؤول هر دو وزارتخانه هستند یا یک وزارتخانه؟ و چون این یک شعبه فنی است و تخصص هم فنی است کلمه مسؤولیت را روی این وزارتخانه آورده باشیم بهتر است.

مخبر - عرض میکنم برای اینکه مثل آن موضوعی که آقای دکتر مصدق فرمودند در مجلس گفته شده باشد عرض میکنم که این مستخدمین در کار فنی خودشان مسؤول وزارت فواید عامه هستند و به وزارت فواید عامه هم اختیار داده شده است استخدام آنها. و البته آنها در مقابل وزارت فواید عامه مسؤولند و وزارت مالیه هم راجع به امور مالی در حدود اختیارات خودش مأمور اجراء این قانون است و البته تصدیق میفرمائید که باید وزارت مالیه هم مسؤول باشد.

آقاسید یعقوب - استرداد میکنم.

رئیس - مذاکرات در کلیات است. آقای فرمند. (اجازه)

فرمند - بنده اصولاً معتقدم بر اینکه یک متخصصین بسیار خوب و معدن شناسی باید بیایند در مملکت ما و تجسس کنند و البته رأی آنها و اطلاعات آنها برای ایران دارای اهمیت است و این خیلی خوب کاری است ولی از نقطه نظر اینکه پول راه آهن در بانک تمرکز پیدا کرده است ما از این تفننات بکنیم بنده شخصاً مخالفم و عقیده هم دارم که بایستی ما خرج بکنیم تا تشخیص بدهیم که کدام یک از نقاط مملکت ما معادن طلا و نقره و ذغال سنگ هست این خیلی برای مملکت لازم است اما نباید یک فکری که برای ما

کارهای فنی را بسرعت از بین میبرند و سائل دارند ما وسائل نداریم و یکوقت می بینید که تویش گیر میکنیم و اسیدوارم کم کم موفق شویم اما در کارهای فنی باید با احتیاط جلو رفت. بنده معتقدم که استخراج معادن برای ما خیلی مهم است مخصوصاً معدن نفت اما یک اصولی را ما باید قائل شویم که یک وقت خبر نشویم که این پول راه آهن به یک مصارف مقدماتی رسیده است و بعد که ما ریل را حاضر کردیم پول نداشته باشیم راه آهن بکشیم آنوقت این خیلی مضحک میشود اگر وقت آقایان ضیق نباشد بنده اجازه می خواهم یک مثلی را به عرض آقایان برسانم و آن این است که ملانصرالدین یک روز یک نعل خری از توی کوچه پیدا کرد گفت باید خری بخرم (خنده نمایندگان) بقیه اش را گویا آقایان بدانند. بالاخره من میترسم که تمام پولهای راه آهن را خرج بکنیم و وقتی که خواستیم راه آهن و ریل را بکشیم هیچ پول نداشته باشیم و این هم کمتر از آن نعل خریست این بود عرایض بنده جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — ماده چهار رد شد. بنابراین ماده پنج ماده چهار میشود. رأی گرفته میشود به این قانون که مشتمل است بر چهار ماده با ورقه، ورقه سفید علامت قبول (اخذ آراء شروع شد).

رئیس — اخذ اوراق رأی تمام شد.

(استخراج آراء بعمل آمده و نتیجه بطریق ذیل حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول (۵۰) ورقه کبود (۳)

اسامی آقایان موافقین — آقایان: ثقة الاسلام بروجردی -

احتشام زاده دکترو سنگ محمد آخوند - شیخ العراقین بیات - آقامیرزا سیداحمد بهبهانی - میرزا هاشم آشتیانی - هاشم آقا ملک مدنی -

آقامیرزا سید مهدی معتمد (معتدالتولیه سابق) - آقامیرزا سیدعلی - میرزا حسین خان دادگر - میرزا عبدالعزیز مفتی - شیروانی - کی استوان - میرزا حسین خان وزیری - شریعت زادم - میرزا عبدالامیر خان نگهبان - آقاسید یعقوب - ملک ایرج میرزا پورتیمور - میرزا ابراهیم - امام جمعه اهر - میرزا عبدالباقی - سید کاظم یزدی - حاج آقا رضا رفیع - میرزا علی خان حیدری - لطف الله خان لیقوانی - آقارضا مهدوی - آقاسید ابوالحسن حائری زاده - شیخ الاسلام ملایری - نویخت - عصر انقلاب - آقاسید حسین آقایان - میرزا سیدحسن خان سیرممتاز - ابوالحسن خان ثقة الاسلامی - میرزا حسین خان پیرنیا - کیخسرو شاه رخ - یاسائی - سهراب خان ساگینیان - حاج میرزا حبیب الله امین - میرزا حسن خان فرهمند - میرزا حسین خان موقر - حیدرقلی میرزا حشمتی - دکتر لقمان - میرزا ابراهیم خان ملک آرائی - میرزا رضاخان افشار - میرزا سیداحمد خان اعتبار - میرزا یوسف خان عدل - آقاسید ابراهیم ضیاء - علی زارع - میرزا صادق خان خاجوی - دکترهادی طاهری - حاج میرزا آقافرشی - میرزا محمدعلی خان بامداد - میرزا خلیل خان فهیمی - حاج علی اکبر امین - مرتضی قلیخان بیات.

اسامی آقایان مخالفین — آقایان میرزا جوادخان خوئی - میرزا حسین خان جلایی - دکتر رفیع خان.

رئیس — عده حضار ۸۱ به اکثریت پنجاه و پنج رأی تصویب شد. چون مقداری از ظهر گذشته است. اگر آقایان موافق باشند جلسه ختم میشود. جلسه آینده روز سه شنبه سه ساعت ونیم قبل از ظهر دستور بقیه دستور امروز.

(مجلس یک ساعت ونیم بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی — سید محمد تدین

منشی: عبدالامیر منشی: امیر تیمور کلانی